اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

یک‌شنبه | ۹ قوس ۱۳۹۹ | ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰ | سال نهم | شماره ۲۰۳۵ | ۸ صفحه

طالبان می‌گویند که طرزالعمل مذاکرات در ۲۱ ماده نهایی و تکمیل شده است

صفحه ۲

مجلس نمایندگان روند رأی‌دهی به نامزدوزیران را امروز از سر می‌گیرد

صفحه ۲

غنی و عبدالله در مورد برگزاری جلسه‌ی شورای عالی مصالحه ملی گفت‌وگو کردند

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی باهم دیدار کرده‌اند. صدیق صدیقی، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری در رشته‌تویتی گفته است که در نخست آقای عبدالله در مورد نتایج سفر اخیرش به ترکیه به رییس‌جمهور غنی معلومات داده است. | صفحه ۲

حمله بر کوثر دانش؛ «با تحقیق درباره‌ی حملات تروریستی نباید دوگانه برخورد شود»

۲

۶ واکنش خامنه‌ای و روحانی به ترور محسن فخری‌زاده

۶ مبارزه با دخانیات در کوریای شمالی؛ تکلیف با رهبری که مرتب سیگار می‌کشد چیست؟

۷ دیدار تاریخی در والده‌بباس روزی که کریستیانو با مارادونا ملاقات کرد

۷ تکذیب سرمربی ساوتهمپتون؛ جانشین سولسشر نیستم

مجلس نمایندگان سند بودجه‌ی وسط سال را تأیید کرد

اطلاعات روز: اعضای مجلس نمایندگان کشور دیروز (شنبه، ۸ قوس) سند بودجه‌ی وسط سال مالی ۱۳۹۹را در نشست عمومی این مجلس با...

صفحه ۲

داکتری که بر یک پسربچه‌ی مریض ۱۰ ساله تجاوز جنسی کرده بود، بازداشت شد

صفحه ۲

شوک پس از انفجار در بامیان؛

شهر به‌هم ریخته و پاسخ مسئولان قناعت‌بخش نیست

صفحه ۸

یادداشت‌روز

تقابل ارگ و مجلس نمایندگان

هفته‌ی پیش مجلس نمایندگان روند رای‌دهی به نامزدوزیران پیشنهادی حکومت را تعلیق کرد. این تصمیم در پی اظهارات امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور در مورد دست‌داشتن اعضای پارلمان در فساد، گرفته شده است. معاون اول ریاست‌جمهوری در سوم عقرب در نشست ژنو (جینوا) اعضای پارلمان را به دست‌داشتن در فساد متهم کرده و گفته بود که حکومت نتوانسته اعضای متهم به فساد آن را به دادگاه بکشاند. آقای صالح خواهان پایان‌دادن به مصونیت قضایی اعضای پارلمان شده بود. این سخنان آقای صالح ظاهرا به مذاق اعضای مجلس خوش نخورده است. از این‌رو، مجلس راه تقابل را در پیش گرفته است.

تقابل مجلس و ارگ نگران‌کننده و دارای پیامدهای منفی زیاد است. از یک طرف، کاهش کارآمدی نظام سیاسی در امر حکومتداری و در نهایت بیشترشدن مشکلات در عرصه‌های مختلف را دامن می‌زند. مدت‌هاست که وزارتخانه‌ها به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت فلج است. از سوی دیگر، اختلاف داخلی در آستانه‌ی مذاکرات صلح سناریوی مطلوب طالبان است. در موجودیت افتراق میان قوه‌های سه‌گانه افغانستان،...

۲

تحلیل

غیبت زنان در تاریخ مذاکرات صلح افغانستان

نگاهی به حضور زنان در مهم‌ترین گفت‌وگوهای صلح پنج دهه اخیر

باوجود تلاش‌های گسترده زنان، فعالان حقوق بشری و دولت افغانستان پس از دوره سیاه طالبان، گزارش‌های سازمان ملل در افغانستان در سپتامبر امسال نشان می‌دهد که افغانستان، همچنان بدترین کشور جهان برای زیست زنان است.

در طول چند دهه جنگ و خشونت در افغانستان در بسیاری از خشونت‌ها، ناامنی‌ها و جنگ‌های به‌وجودآمده، زنان نقش چندانی نداشته‌اند اما همواره بیشترین آسیب را از این ناحیه متحمل شده‌اند. نابرابری‌های اجتماعی، جنگ و حاشیه قرارگرفتن زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، جدی‌ترین تهدید علیه زنان بوده است. این مسأله موجب شده است که نبوغ، خلاقیت و عاملیت آن‌ها همواره نادیده گرفته شود. این در حالی است که تجربیات زنان برای خلق جامعه‌ای عادلانه، زیباتر و...

۳

گزارش

به‌دنبال یک جرعه روشنایی

قصه‌ی زندگی دانش‌آموزانی که همسایه دیوار به دیوار انفجار شدند

لامپ روی سقف که در روشنایی خجل آن قرار بود همدیگرمان را ببینیم و صحبت کنیم، یکباره تاریک می‌شود. | صفحه ٤

ترجمه

مرگ مارادونا نشان داد خشونت علیه زنان به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود

مردی را در حال زدن شریک زندگی‌اش تصور کنید. تصویری که به ذهن‌تان می‌آید، مرد ژولیده‌ای است که صورتش از خشم به هم چلانده شده، دست خود را بالا آورده و آماده‌ی زدن است. همه‌ی ما این مرد را محکوم می‌کنیم، مگرنه؟ اما اگر این چهره‌ی عصبانی آشنا باشد و شما آن‌را قبلا هزاران بار به گونه‌ی کاملا متفاوتی دیده باشید چه؟ آیا بازهم محکومش می‌کنید؟ اگر این چهره‌ی عصبانی | صفحه ٥

ادامه‌یادداشت‌روز

حکومت افغانستان امکان و توان تمثیل اراده‌ی ملی در برابر طالبان را ندارد. تصمیم مجلس برای تقابل بیشتر با حکومت وضعیت را شکننده‌تر می‌کند. انتظار می‌رود هم حکومت و هم مجلس این وضعیت را درک کنند.

واقع این است که تعلیق روند رأی‌دهی به نامزدوزیران توسط مجلس نمایندگان نوعی گروکشی است. اصولا ارتباط میان گفته‌های آقای صالح و مسأله‌ی رای‌دهی به کابینه وجود ندارد. به همان اندازه که مسئولیت ناکامی در تأخیر تشکیل کابینه متوجه حکومت است، ناکامی مجلس نمایندگان را نیز نشان می‌دهد. براساس قانون مجلس نمایندگان حق نظارت از قوه مجریه را دارد. ماده ۶۹ قانون اساسی رییس‌جمهوری را در برابر مجلس نمایندگان «مسئول» قرار داده و حق قانونی نظارت مجلس بر قوه مجریه را به رسمیت شناخته است. براساس قانون سرپرستی هیچ فردی بیش از دو ماه نمی‌تواند به‌عنوان سرپرست در وزارت‌خانه‌ای کار کند. اکنون ماه‌ها است که وزارت‌خانه‌ها با سرپرست اداره می‌شود. در چنین وضعیتی وقتی مجلس به‌جای تلاش برای پایان‌بخشیدن به بحران سرپرستی، از تشکیل کابینه به‌عنوان اهرم فشار بر حکومت استفاده می‌کند، توجیهی برای آن وجود ندارد. مهم‌تر این، نوع رای‌دادن مجلس به ۱۰ نامزدوزیر نشان داد که برخورد پارلمان با مسأله‌ی رای‌دهی نمایشی است. در روزی که کابل شاهد باران موشک بود، وزرای امنیتی بیشترین را در مجلس گرفتند.

کسی نمی‌تواند موجودیت فساد در مجلس یا دست‌داشتن برخی از اعضای آن‌را انکار کند. این صدا بارها از تریبیون مجلس نیز شنیده شده است. ارزیابی‌های نهادهای ناظر نیز نشان می‌دهد که مسأله‌ی فساد در پارلمان پیچیده و جدی است. گزارش دو سال پیش سازمان ملل متحد در افغانستان پارلمان کشور را بخشی از مشکل/مسأله‌ی فساد در افغانستان معرفی کرده است. اعضای مجلس به کرات به دست‌داشتن در فساد با استفاده از مصونیت قضایی متهم شده‌اند. پارلمان کارنامه‌ی پر از فساد و ناکارآمدی دارد. از این‌رو، موضع آقای صالح از این نظر که در مجلس نمایندگان فساد وجود دارد یا برخی از اعضای مجلس در فساد دست دارند، درست است، اما شیوه و زمان برخورد آقای صالح با این مسأله قابل دفاع نیست. برجسته‌کردن این مشکل در سخنرانی نشست ژنو به‌طور واضح صرفا یک ابزار رندانه برای جلب موافقت جامعه جهانی به دوام کمک‌های مالی‌اش به افغانستان بود. برخورد ابزاری حکومت با مسأله‌ی مبارزه با فساد و دید گروکشی مجلس این پیام و فهم را عمومی می‌کند کاری که ارگ و مجلس می‌کند، تقابل است.

اگر آقای صالح اراده‌ی جدی برای مبارزه با فساد دارد، در قدم اول دید خود را بازتر کند. فساد بزرگ‌تر از قوه‌ی مقننه، در بدنه قوه‌ی اجرائی دولت موج می‌زند. نزدیک‌ترین افراد به شخص رییس‌جمهور متهم به فساد هستند، اما کسی کاری به کار آن‌ها ندارد. حتا در حد یک ادعا جدی گرفته نمی‌شود. دوم، برخورد با فساد با رویه‌ی غوغاسالاری بیشتر از آن‌که ممد واقع شود، مبارزه موثر با فساد را به انحراف می‌کشاند. معاون اول رییس‌جمهور به‌جای این‌که نمایندگان را در یک نشست بین‌المللی متهم به فساد کند، شواهد دست‌داشتن اعضای مجلس در فساد را عمومی کند یا دست‌کم به نهادهای عدلی و قضایی افغانستان بسپارد. پس از رییس‌جمهور کمتر کسی به اندازه آقای صالح صلاحیت و دست بازتری دارد. اگر تور آقای صالح دانه درشت‌های حکومتی را نیز به دام انداخت و برای ادعای که بر علیه مجلس نمایندگان مطرح کرده شواهد ارائه کرد، شکی نیست که افکار عمومی از آقای صالح حمایت خواهد کرد.

حمله بر کوثر دانش؛ «با تحقیق درباره‌ی حملات تروریستی نباید دوگانه برخورد شود»

اطلاعات روز: خانواده‌های قربانیان حمله بر مرکز آموزشی کوثر دانش در غرب کابل از نهادهای امنیتی، عدلی و قضایی کشور خواسته‌اند که عاملان این حمله را شناسایی و عدالت را برای بازماندگان‌شان تأمین کنند.

شش خواست عمده‌ی این خانواده‌ها روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته (۴ قوس) در دیدار با مسئولان کمیسیون مستقل حقوق بشر در کابل مطرح شده است. این خانواده‌ها همچنان گفته‌اند که با تحقیق درباره‌ی حملات متفاوت تروریستی و رسیدگی به دادخواست‌های بازماندگان نباید دوگانه برخورد شود.

آنان افزوده‌اند که نهادهای مسئول باید به پرونده‌ی تمامی قضایای مربوط به حملات تروریستی به‌گونه‌ی جدی رسیدگی کنند. به گفته‌ی این خانواده‌ها، از پیشرفت یا دست‌آورد درباره‌ی حمله بر مرکز آموزشی کوثر دانش به آنان اطلاع داده نشده و هنوز هم نمی‌دانند که عامل کشتار فرزندان‌شان چه کسانی بوده‌اند.

این خانواده‌ها از دادگاه بین‌المللی لاهه نیز خواسته‌اند که پرونده‌ی کشتار غیرنظامیان، به‌ویژه حمله بر مرکز آموزشی کوثر دانش را بررسی کند.

آنان در ادامه گفته‌اند: «به دلیل تهدیدات بالای امنیتی در غرب کابل و آسیب‌پذیری آن، نیاز است تدابیر ویژه‌ی امنیتی برای تأمین امنیت مراکز آموزشی آن در نظر گرفته شود.»

در همین حال، کمیسیون حقوق بشر به شنیدن صدای خانواده‌های قربانیان تأکید کرده و گفته است که نهادهای مسئول وظیفه دارند پیام آنان را بشنوند و به خواست‌های‌شان رسیدگی کنند.

حمله‌ی انتحاری بر مرکز آموزشی کوثر دانش در غرب کابل در سوم عقرب سال جاری انجام شد. مسئولیت این حمله را گروه داعش بر عهده گرفت، اما دولت گروه طالبان را مسئول این حمله اعلام کرد.

در این حمله بیش از ۲۰ نفر کشته و حدود ۶۰ نفر دیگر زخمی شدند.

در ۲۴ عقرب، ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد که طراح اصلی حمله به دانشگاه کابل را که در حمله بر مرکز آموزشی کوثر نیز نقش داشت، بازداشت شده است.

غنی و عبدالله در مورد برگزاری جلسه‌ی شورای عالی مصالحه ملی گفت‌وگو کردند

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی باهم دیدار کرده‌اند.

صدیق صدیقی، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری در رشته‌توییتی گفته است که در نخست آقای عبدالله در مورد نتایج سفر اخیرش به ترکیه به رییس‌جمهور غنی معلومات داده است.

به گفته‌ی صدیقی، دو طرف در خصوص انکشافات اخیر در گفت‌وگوهای صلح در دوحه به‌گونه‌ی تفصیلی بحث کرده‌اند.

آمادگی‌ها برای برگزاری جلسه‌ی «قریب‌الوقوع» شورای عالی مصالحه ملی از دیگر موضوعاتی بوده که در این دیدار در مورد آن بحث شده است.

این درحالی است که پس از نشست ژنو، نمایندگی‌های سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و همچنان سفارت بریتانیا در کابل خواستار نهایی‌شدن هرچه زودتر تشکیلات شورای عالی مصالحه ملی و آغاز به کار این شورا شده بودند.

شورای عالی مصالحه ملی براساس توافق‌نامه‌ی سیاسی اشرف غنی و عبدالله عبدالله که در تاریخ بیست‌وهشتم ثور سال جاری به امضا رسید، ایجاد شده است.

هرچند رییس‌جمهور اشرف غنی در هشتم سنبله با امضای فرمانی، ۴۶ نفر را به‌عنوان اعضا و هیأت رهبری شورای عالی مصالحه ملی معرفی کرد، اما این فرمان غنی با مخالفت عبدالله مواجه شد. عبدالله گفته بود که ایجاد شورای عالی مصالحه ملی از صلاحیت‌های او است و به صدور فرمان نیاز نیست.

طالبان می‌گویند که طرزالعمل مذاکرات در ۲۱ ماده نهایی و تکمیل شده است

اطلاعات روز: دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلام کرد که طرزالعمل مذاکرات میان این گروه و هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان در ۲۱ ماده نهایی و تکمیل شده است.

محمدنعیم، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر شام دیروز (شنبه، ۸ قوس) در توییتی نوشته است که این طرزالعمل در تاریخ پانزدهم ماه جاری میلادی نهایی و در تاریخ هفدهم ماه جاری میلادی در حضور کشور تسهیل‌کننده به زبان‌های دری و پشتو خوانده شده است.

به گفته‌ی محمدنعیم، پس از توافق هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف [دولت و طالبان]، یک نسخه از طرزالعمل به کشور تسهیل‌کننده سپرده شده است. قطر در نهایی سازی این طرزالعمل میان دو طرف نقش تسهیل‌کننده داشته است.

هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان تاکنون در این باره چیزی نگفته است، اما چندی پیش دست‌کم دو عضو این هیأت در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز تأیید کرده بودند که با هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان درباره‌ی نهایی‌سازی طرزالعمل مذاکرات به توافق رسیده‌اند.

مذاکرات صلح افغانستان در بیست‌ودوم سنبله سال جاری در دوحه، پایتخت قطر آغاز شد. از آن زمان تاکنون هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی نهایی‌سازی طرزالعمل مذاکرات چانه‌زنی داشتند. تکمیل شدن این طرزالعمل بیش از دو ماه زمان را در بر گرفت.

مجلس نمایندگان روند رأی‌دهی به نامزدوزیران را امروز از سر می‌گیرد

اطلاعات روز: مجلس نمایندگان کشور روند رأی‌دهی به نامزدوزیران کابینه‌ی حکومت را پس از پنج روز تعلیق امروز (یک‌شنبه، ۹ عقرب) از سر می‌گیرد.

فرزانه کوچی، از اعضای مجلس نمایندگان در توییتی گفته است که روند رأی‌دهی به نامزدوزیران کابینه براساس فیصله‌ی اعضای مجلس نمایندگان آغاز می‌شود.

مجلس نمایندگان این روند را به دنبال اظهارات امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور در مورد دست‌داشتن اعضای پارلمان در فساد، روز چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۴ قوس) تعلیق کرد.

میررحمان رحمانی، رییس این مجلس در آن هنگام گفت که این روند تا ارایه‌ی اسناد از سوی آقای صالح در مورد این اظهاراتش، تعلیق می‌شود.

آقای رحمانی همچنان گفت که به‌منظور «حفظ حیثیت مجلس نمایندگان» علیه معاون نخست ریاست‌جمهوری در مورد این گفته‌های او به مراجع عدلی و قضایی نیز شکایت درج می‌کند.

اعضای این مجلس همچنان از رییس‌جمهور غنی خواسته بود که آقای صالح را مجبور به استعفا کند.

امرالله صالح در ۳ عقرب در نشست ژنو اعضای پارلمان را به دست‌داشتن در فساد متهم کرده و گفته بود که حکومت نتوانسته اعضای متهم به فساد آن را به دادگاه بکشاند. او همچنان خواهان پایان‌دادن به مصونیت قضایی اعضای پارلمان شده بود.

به دنبال ایجاد تقابل میان ارگ ریاست‌جمهوری و پارلمان، ارگ ریاست‌جمهوری از دیدار رییس‌جمهور غنی با میررحمانی رحمانی، رییس مجلس نمایندگان و دفتر شورای امنیت ملی از دیدار حمدالله محب، مشاور امنیت ملی با میررحمان رحمانی و فضل‌هادی مسلم‌یار، رییس مجلس سنا خبر دادند.

ارگ ریاست‌جمهوری در خبرنامه‌اش گفته است که این نشست درباره هماهنگی میان دولت و قوه مقننه افغانستان گفتگو شده و درباره «هم‌صدایی» و ایجاد راهکارهای در این زمینه نیز توافق شده است.

آقای غنی از مجلس نمایندگان به دلیل دادن رأی تأیید به ده وزیر کابینه‌اش تقدیر کرده است.

در خبرنامه‌ای که از سوی دفتر شورای امنیت ملی نیز به نشر رسیده، آمده است که طرف‌ها در این دیدار در مورد وضعیت جاری کشور و افزایش هماهنگی‌ها میان حکومت و قوه‌ی مقننه بحث و گفت‌وگو کرده‌اند.

به نقل از اعلامیه، رییسان مجلس نمایندگان و سنا در این دیدار گفته‌اند که قوه‌ی مقننه‌ی در کنار حکومت قرار داشته و از آن حمایت می‌کند.

تکذیب روابط پنهان نمایندگان مجلس با دفتر شورای امنیت ملی

از سویی هم، دفتر شورای امنیت ملی در یک خبرنامه‌ی دیگر اخبار مربوط به داشتن ارتباط پنهانی شماری از اعضای مجلس با این دفتر و کمک مالی به آنان توسط این نهاد را رد کرده است.

در اعلامیه گفته شده است: «نشر این چنین خبرهای بی‌اساس کار حلقات مغرض است که می‌خواهند میان قوه‌ی اجرائیه و مقننه دولت جمهوری اسلامی افغانستان تشنج ایجاد شده تا این دو قوه در وضعیت حساس کنونی در اتخاذ تصامیم لازم به مشکل مواجه شوند.»

اخیرا خبرهای در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که در آن ادعا شده بود که شماری از اعضای مجلس نمایندگان با دفتر شورای امنیت ملی روابط پنهانی دارند و از این دفتر کمک مالی به‌دست می‌آورند.

مجلس نمایندگان سند بودجه‌ی وسط سال را تأیید کرد

اطلاعات روز: اعضای مجلس نمایندگان کشور دیروز (شنبه، ۸ قوس) سند بودجه‌ی وسط سال مالی ۱۳۹۹را در نشست عمومی این مجلس با اکثریت آرا تأیید کردند.

محمدعظیم محسنی، عضو کمیسیون مالی و بودجه‌ی مجلس نمایندگان به روزنامه اطلاعات روز گفت که سند بودجه‌ی وسط سال مالی جاری با اعمال تغییرات و اصلاحاتی در سند قبلی آن که قبلا از سوی مجلس رد شده بود، تأیید شد.

آقای محسنی توضیح داد که در سند قبلی بودجه‌ی وسط سال، ۱۱ میلیارد افغانی در کُدها اضافه شده بود. از این میان به گفته‌ی او، تنها در حدود هفت میلیارد آن به واحد عملیات اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری اختصاص داده شده بود.

این عضو مجلس نمایندگان تأکید کرد که در سند مورد تأیید مجلس نمایندگان، ۵.۴ میلیارد افغانی به واحد عملیاتی اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری، یک میلیارد به وزارت احیا و انکشاف دهات، حدود یک یک میلیارد هم به وزارت‌های فواید عامه و صحت عامه، درنظر گرفته شده است.

این طرح قبلا در تاریخ ۲۰ عقرب از سوی مجلس نمایندگان رد شده است.

داکتری که بر یک پسربچه‌ی مریض ۱۰ ساله تجاوز جنسی کرده بود، بازداشت شد

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که پولیس کابل داکتری را که به‌گونه‌ی مکرر بر یک پسربچه‌ی مریض ده ساله تجاوز جنسی می‌کرد، بازداشت کرده است.

آقای صالح صبح دیروز (شنبه، ۸ قوس) در صفحه‌ی فیس‌بوک خود نوشته است که به ریاست دفترش هدایت داده تا از وزارت صحت عامه بخواهد که جواز طبابت این داکتر را لغو کند تا پس از رهایی از زندان، به نام داکتر در جامعه جای نداشته باشد. صالح از این داکتر نام گرفته و آن‌را «درنده خوی و ابلیس» توصیف کرده است. به گفته‌ی صالح، این داکتر در شفاخانه‌ای در حوزه‌ی شانزدهم کابل کار می‌کرد.

از سوی هم، معاون اول ریاست‌جمهوری گفته است که از مجموع ۳۷۰۰ فرد متهم به ارتکاب جرایم، تاکنون تنها ۹۰۰ نفرشان بازداشت شده‌اند. او از مردم خواسته است که در بازداشت این افراد با پولیس همکاری کنند.

او در مورد حملات راکتی چند روز پیش بر بخش‌هایی از شهر کابل نیز گفته است که به سرنخ‌های ضعیف دست یافته‌اند و هر زمانی‌که پیشرفتی صورت گرفت، با مردم شریک خواهد کرد.

غیبت زنان در تاریخ مذاکرات صلح افغانستان

نگاهی به حضور زنان در مهم‌ترین گفت‌وگوهای صلح پنج دهه اخیر

حسین‌علی کریمی

باوجود تلاش‌های گسترده زنان، فعالان حقوق بشری و دولت افغانستان پس از دوره سیاه طالبان، گزارش‌های سازمان ملل در افغانستان در سپتامبر امسال نشان می‌دهد که افغانستان، همچنان بدترین کشور جهان برای زیست زنان است.

در طول چند دهه جنگ و خشونت در افغانستان در بسیاری از خشونت‌ها، ناامنی‌ها و جنگ‌های به‌وجودآمده، زنان نقش چندانی نداشته‌اند اما همواره بیشترین آسیب را از این ناحیه متحمل شده‌اند. نابرابری‌های اجتماعی، جنگ و حاشیه قرارگرفتن زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، جدی‌ترین تهدید علیه زنان بوده است. این مسأله موجب شده است که نبوغ، خلاقیت و عاملیت آن‌ها همواره نادیده گرفته شود. این در حالی است که تجربیات زنان برای خلق جامعه‌ای عادلانه، زیباتر و صلح‌آمیزتر یک امر ضروری و اخلاقی در راستای توسعه، ثبات و امنیت هر کشوری است.

گفت‌وگوهای صلح در پنج دهه گذشته و غیبت زنان

در ۴۷ سال گذشته، دولت افغانستان پادشاهی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک خلق، جمهوری دیگر، کشور اسلامی، امارت اسلامی، دولت موقت، دولت اسلامی انتقالی و جمهوری اسلامی بوده است. به‌طور متوسط در بیش از هر شش سال، یک بار تغییر رژیم اتفاق افتاده است. آموزه‌های دینی، حقوقی و قانون اساسی هرکدام گفتمانی را ارائه داده که گروه‌ها از طریق آن به منازعه پرداخته‌اند، اما این مبارزه صرفا درباره ایده‌ها نه، بلکه یک رقابت سیاسی برای قدرت بوده است. افغان‌ها نتوانسته‌اند در مورد فرمولی برای یک سیاست مشترک که هیچ‌کس احساس استثنابودن نداشته باشد، به توافق برسند.

طرح آشتی و مصالحه ملی

برنامه اصلی دکتر نجیب‌الله برای ختم منازعه و طرح آشتی ملی او ایجاد دولتی فراگیر با حضورداشت تمام مخالفان در ساختار قدرت و نظام سیاسی آینده بود. برای تحقق این امر دولت او کمیسیون‌های مختلفی را برای مصالحه در کابل و ولایات ایجاد کرد. نمایندگانی را برای جلب رضایت فرماندهان جهادی تعیین نمود و با آنان گفت‌وگو کرد. همچنین با برخی احزاب میانه‌رو در پیشاور گفت‌وگو کرد. با وجود این او نتوانست حمایت ملی و منطقه‌ای را برای پیشبرد اهداف صلح‌جویانه‌اش ایجاد کند. گروه‌های جهادی با این که می‌دانستند برنامه او و طرح آشتی و مصالح ملی به نفع ثبات و امنیت کشور است اما به دلایل بسیاری از جمله احساس بدنامی سازش با دولت کمونیستی، هژمونی پاکستان بر گروه‌های جهادی، زوال کمونیزم در جهان و به‌تبع آن پراکندگی دیدگاه‌ها در مسکو، تکثر اهداف و خواست احزاب جهادی درگیر در منازعه، قومی‌شدن خواسته‌ها و اهداف از طرح او حمایت نکردند. جهاد مفهوم محوری و انگیزه‌بخش مجاهدین در فضای آن زمان بود. بنابراین هرنوع نرمش و مصالحه با دولت کمونیستی به معنای خیانت به ارزش‌های جهاد و مقاومت تلقی می‌شد و هیچ تنظیم جهادی نمی‌خواست، خائن به ارزش‌های جهاد و مقاومت لقب بگیرد. بنابراین طرح آشتی ملی ناکام ماند. نه در ساختار پیشنهادی دکتر نجیب‌الله در قالب طرح مصالحه ملی، زنی به‌عنوان کارگزار صلح به چشم می‌خورد و نه در طرف مقابل که مجاهدین اسلام‌گرا باشند. زنان در پستوی خانه‌های‌شان جنگ و صلح مردان‌شان را نظاره می‌کردند. فرهنگ جنگ در افغانستان مردانه بوده و زنان در آن نقشی نداشته‌اند. بر این اساس برای آنان نقشی در صلح‌سازی و توافقنامه‌ها تعریف نمی‌شد.

طرح صلح «بنین سیوان» و نقش سازمان ملل

کودتای هفت ثور سال ۵۷ که به سرنگونی دولت داوودخان انجامید، منشأ بسیاری از تغییر و تحولات معاصر افغانستان است. از نتایج مهم این کودتا، حضور نظامی ارتش سرخ در افغانستان بود که خود موجب تحولات بسیاری شد و پای بسیاری از جهادگران را با حمایت و دخالت مستقیم پاکستان به افغانستان گشود. با توجه به حضور نظامی ارتش سرخ، جنگ افغانستان ابعاد بین‌المللی یافت و تلاش‌های سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای محکومیت و خروج ارتش سرخ نتیجه نداد و با وتوی شوروی مواجه شد.

بسیاری از صاحب‌نظران مسائل افغانستان بر این باورند که سازمان ملل نتوانسته آن‌طور که از آن انتظار می‌رود در قضایای جنگ و صلح این کشور مؤثر عمل کند. بیشتر تلاش‌های این سازمان و شورای امنیت به صدور قطعنامه و محکوم‌کردن جنگ در افغانستان محدود بوده است. توافقنامه جینوا (ژنو) میان کشورهای افغانستان، پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی منجر به خروج ارتش سرخ از افغانستان شد. تأکید اصلی این توافقنامه بر عدم همکاری و حمایت شوروی، امریکا و کشورهای غربی از طرف‌های درگیر منازعه در افغانستان بود. مهم‌ترین انتقادی که بر تلاش‌های بنین سوان برای ختم منازعه عنوان می‌شود، نداشتن استراتژی بعد از خروج ارتش سرخ از افغانستان و مدیریت خلای قدرت است.

طرح صلح بنین سوان، شامل لیستی بلندبالا از اقوام و گروه‌های مختلف، احزاب، جریان‌های سیاسی و طرفداران شاه سابق می‌شد که این گروه‌ها پس از مذاکره و گفت‌وگو گروهی را از میان خود به‌عنوان نمایندگان‌شان انتخاب می‌کردند و وظیفه آن‌ها مشورت با گروهای مختلف اجتماعی برای دایرکردن لوی جرگه بود. وظیفه اصلی لوی جرگه، تعیین ساختاری برای حکومت انتقالی بود. طرح صلح بنین سیوان برای خلای قدرت به‌وجود و پایان منازعه در مجموع یک دولت ائتلافی با نظرداشت دیدگاه‌های جناح‌های درگیر منازعه و مردم افغانستان بود. با توجه به این‌که جنگ افغانستان ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرده بود، طرح صلح بنین سوان نتوانست دیدگاه‌های مختلف را به‌خصوص در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با خود همسو کند. همچنین حمایت‌های جهانی و حتا حمایت سازمان ملل را جلب کند. عوامل بیرونی نقش اساسی در ناکامی طرح بنین سوان داشت. استراتژیست‌های مسکو به این دلیل مخالف طرح سازمان ملل بودند که می‌پنداشتند طرح بنین سوان امریکایی و غربی است و زمینه نفوذ آن‌ها به حداقل می‌رسد. همچنین پاکستانی‌ها نیز بر این باور بودند که بیش از هر زمانی دیگری می‌توانند با استفاده از ابزار نظامی و ادامه سلطه بر مجاهدین آن‌ها را به قدرت برسانند و اهداف خود را دنبال کنند.

با توجه به این‌که طرح صلح بنین سوان به مرحله اجرا نرسید، نمی‌توان گفت که آیا مراد او از نقش و مشارکت مردم در صلح‌سازی و ساختار حکومت انتقالی آیا شامل زنان هم می‌شده یا نه؟ با وجود این، چنانچه شواهد نشان می‌دهد، زنان همچنان در گفت‌وگوهای صلح و تعیین سرنوشت خودشان غایب مطلق بودند. در این دوره نیز آن‌ها نظاره‌گر جنگ و صلح مردان‌شان بودند. مجاهدین به‌دلیل نقش محوری و مشهودشان در تولید جنگ، همچنان نقشی برای زنان قائل نبودند. بسیاری از زنان، قضایای جنگ و صلح را به امید توافق پایدار از طریق رادیو و در خانه‌های‌شان دنبال کردند.

توافقنامه بُن و تکرار غیبت زنان

اشتراک‌کنندگان در کنفرانس بن با حضور نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل تصمیم داشتند به تراژیدی‌های مکرر افغانستان پایان دهند و صلحی دوامدار، باثبات و بازسازی ملی و احترام به حقوق بشر را به ارمغان بیاورند. با طرح اخضر ابراهیمی واگذاری سرنوشت افغانستان با نظارت سازمان ملل و جامعه جهانی به خود افغان‌ها محول شد. بنابراین چهار گروه عمده شامل نمایندگان ائتلاف شمال، گروه پیشاور به رهبری سیداحمد گیلانی، گروه موسوم به قبرس به رهبری همایون جریر و گروهی به نمایندگی از ظاهرشاه یا جریان روم به بن آلمان رفتند تا بنیان نظام پساطالبان را ایجاد کنند. طالبان و شاخه حزب اسلامی به رهبری حکمتیار به این کنفرانس دعوت نشدند. حکومت موقت، ایجاد یک نظام دموکراتیک مبتنی بر آرای مردم، انتخابات، ترتیب قانون اساسی جدید، آغاز فرایند صلح‌سازی، محتوای تصمیم‌های کنفرانس بن است. مهم‌ترین ویژگی کنفرانس بن، حمایت و نظارت جامعه جهانی و سازمان ملل از چگونگی روند بود.

بسیاری از سیاست‌مداران و تحلیل‌گران این انتقاد را بر کنفرانس بن وارد می‌کنند که غیبت طالبان یک اشتباه تاریخی در برگزاری این کنفرانس بود. اما هیچ کس از غیبت زنان یادی نمی‌کند که بخش مهمی از افرادی بودند که در فرایند خشونت‌ها و جنگ‌های گذشته آسیب دیده بودند. انگار آن‌ها اصلا حضور فیزیکی نداشته‌اند. هرچند فرایندهای درنظرگرفته‌شده پس از بن بر مشارکت همه گروها و افراد تأکید می‌کرد، اما مسأله اساسی عدم حضور زنان در تصمیم‌گیری فعال برای سرنوشت آینده‌شان بود که در کنفرانس بن نیز تکرار شد.

> نه در ساختار پیشنهادی دکتر نجیب‌الله در قالب طرح مصالحه ملی، زنی به‌عنوان کارگزار صلح به چشم می‌خورد و نه در طرف مقابل که مجاهدین اسلام‌گرا باشند. زنان در پستوی خانه‌های‌شان جنگ و صلح مردان‌شان را نظاره می‌کردند. فرهنگ جنگ در افغانستان مردانه بوده و زنان در آن نقشی نداشته‌اند.

شورای عالی صلح و حضور سمبلیک زنان

تا به حال زنان، در تمامی گفت‌وگوها و جلسات صلح فاقد نمایندگی لازم بوده‌اند. در کنفرانس ماه قوس ۱۳۹۷ مسکو، فقط یک زن در میز گفت‌وگو حاضر بود. وی حبیبه سرابی، معاون شورای عالی صلح و یکی از چهار نماینده ی شورا بود. در نشست بین‌الافغانی ماه حوت ۱۳۹۷ در مسکو، فقط دو نفر از (شمار متغیر ۷۰ الی ۱۰۰ تن از مدعوین در نشست‌های مختلف) را زنان تشکیل می‌دادند که فوزیه کوفی، نماینده‌ی سابق پارلمان و حوا علم نورستانی، عضو سابق شورای عالی صلح و رییس کنونی کمیسیون مستقل انتخابات، حضور داشتند. بر حضور زنان در شورای عالی صلح، پس از تغییر در ترکیب آن توسط رییس‌جمهور غنی در سال ۱۳۹۷، افزوده شده است.

نظرسنجی‌ها و تحقیقات انجام‌شده درباره صلح و روند گفت‌وگوهای صلح نشان می‌دهد که شورای عالی صلح به‌دلیل این‌که افراد و گروه‌هایی در آن قرار داشت که خود درگیر منازعه و در واقع طرف جنگ محسوب می‌شدند و همچنین رهبری و اعضای آن تجربه‌ای در صلح‌سازی نداشتند، بنابراین نمی‌توانستند نقش میانجی و بی‌طرف را در گفت‌وگوهای صلح ایفا کند. از این شورا بیشتر به‌عنوان یک نهاد سمبولیک و دولتی یاد می‌شد که خود طرف قضیه و بخشی از مسأله بود.

با وجود این برای اولین بار در ترکیب اعضای هیأت مذاکره‌کننده زنان به چشم می‌خورد. برای اولین بار به زنان فرصت دیده‌شدن و روایت زنانه از رنج‌های‌شان داده شد. واضح است که صرفا حضور زنان در یک ساختار به معنای تبارز مسائل و دیدگاه‌های زنان نیست. عدم بی‌طرفی، دولتی‌بودن، نداشتن استقلال (مالی و تصمیم‌گیری)، فساد، ناکامی در اعتمادسازی، وجود خلاهای قانونی و تشریفاتی‌بودن این شورا، مهم‌ترین انتقادهایی بود که بر این شورا وارد می‌شد. به‌دلیل همین مشکلات این شورا نتوانست بستر مناسبی برای خواست زنان، آرمان‌های آن‌ها و روایت‌های‌شان ایجاد کند. این شورا گفت‌وگو و مذاکره با حزب اسلامی شاخه حکمتیار را در کارنامه خود داشت. گفت‌وگوهایی که حزب اسلامی بعد از توافق، حتا حاضر به عذرخواهی از مردم افغانستان و زنانی که رنج جنگ را با راکت‌هایی که این حزب در جریان جنگ‌های داخلی بر سر آنان ریخته بود، نشد. بنابراین عملا تلاش‌های زنان برای دیده‌شدن و عاملیت آنان در این پروسه ناکام ماند.

مذاکرات دوحه و تلاش زنان برای خلق روایت زنانه از صلح

«اینگبورگ براینز» در کتاب «فرهنگ صلح و چشم‌انداز زنانه» بر این باور است که دیدگاه جنسیتی در هر موضوعی، نیازمند توجه به رویکرد جامعه و نقش‌هایی است که توسط جامعه برای زنان و مردان تعریف شده است. این دیدگاه به ارزیابی انتقادی شیوه‌هایی تمایل نشان می‌دهد که در آن نوعی همکاری سازنده میان دو جنس برای دستیابی به آرمان‌های مشترک و اخلاقی برای زنان و مردان بازتعریف می‌شود. فرهنگ صلح چنین هدفی دارد و یک دیدگاه جنسیتی، موانع و فرصت‌های دستیابی به این هدف را روشن می‌کند. بسیاری از کسانی که جنسیت و اهمیت آن را برای کیفیت جامعه بشری مورد مطالعه قرار داده‌اند، بر این باورند که موضوع جنسیت بخش تکمیلی و ضروری هرگونه تعهد و توجه به موضوعات مرتبط با صلح و موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی است.

زنان و مردان تنها با برابری و مشارکت می‌توانند بر موانع، سکون، سکوت و سرخوردگی ناشی از جنگ و خشونت فائق آمده و از بینش، اراده سیاسی، تفکر خلاق و اقدامات حقیقی مورد نیاز برای گذار جهان از فرهنگ خشونت به‌سوی فرهنگ صلح اطمینان یابند.

در گفت‌وگوهایی که در دوحه قطر جریان دارد، در ترکیب ۲۱ نفره هیأت مذاکره‌کننده دولت، چهار زن وجود دارد. زنانی که در تلاشند تا روایت خاص خود را به طرف‌های درگیر در منازعه بقبولانند و به‌نحوی حضور آن‌ها برای عدم تکرار نادیده‌انگاری زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و آینده افغانستان معنا می‌یابد. در ترکیب هیأت مذاکره‌کننده طالبان زنی به چشم نمی‌خورد. این یعنی تکرار نادیده‌انگاری زنان در یک طرف منازعه که در مجموع به نفع زنان نیست. با توجه به این‌که مذاکرات هنوز در جریان است و طی دو نیم ماه گذشته با بن‌بست مواجه بوده است، هنوز نمی‌توان در مورد عاملیت زنان در فرایند مذاکرات به روشنی صحبت کرد. با وجود این نگاه‌های بسیاری از زنان، فعالان حقوق بشر در داخل و خارج از افغانستان به چهار زنی دوخته شده که در مذاکرات دوحه حضور دارند.

توافقنامه صلح امریکا و طالبان

دوران حکومت طالبان بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، یکی از بدترین نمونه‌ها در زمینه رعایت حقوق زنان است. آنان زنان را از حق آموزش، حق کار و حق گشت‌وگذار بدون داشتن همراه مرد محروم کرده بودند. قانون اساسی افغانستان پس از فروپاشی حاکمیت طالبان، برابری مرد و زن را در ماده ۲۲ که «اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند» تضمین کرده است.

در متن توافقنامه طالبان با امریکا هیچ گونه تضمین روشنی بر مشارکت سیاسی زنان، برابری و فرصت دیده‌شدن برای آنان به چشم نمی‌خورد. تأکید اصلی این توافقنامه بر خروج نیروهای نظامی امریکا از افغانستان و تضمین‌ها و مکانیزم‌های اجرایی برای عدم استفاده از خاک افغانستان توسط گروه و یا فرد خاصی علیه امنیت امریکا و یک نقشه راه سیاسی برای آینده افغانستان است که از درون گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بیرون خواهد آمد.

آنچه که موجب شده فعالان حقوق بشر و زنان، نگران آن باشند، رویکرد ایدیولوژیک و تفسیر خاص طالبان از دین و مسائل جامعه در حال تغییر افغانستان است. و این موضوع که اگر آن‌ها بتوانند قانون اساسی فعلی را به نفع خود تغییر دهند، این امکان وجود دارد که بار دیگر درهای فضای اجتماعی و سیاسی جامعه همچون گذشته به روی آنان بسته شود.

غیبت زنان در ترکیب هیأت مذاکره‌کننده طالبان

گروه طالبان برای همزادپنداری و نشان‌دادن وضعیت اسفبار حملات طرف مقابل خود تلاش می‌کند تا تصویری از زنان و کودکان کشته‌شده از حملات را نشر کند و به شمار زنانی که قربانی حملات شده‌اند اشاره کند. با وجود این در ترکیب هیأت مذاکره‌کننده آن‌ها هیچ زنی به چشم نمی‌خورد. یک جای کار اشکال دارد. این پرسش بسیاری از خبرنگارانی است که در دوحه گفت‌وگوهای صلح را از نزدیک دنبال می‌کنند که چرا زنی به نمایندگی از نیمی از جامعه در میان شما حضور ندارد. پاسخ‌های آن‌ها مبهم، گنگ و نامشخص است.

ضرورت حضور زنان در گفت‌وگوهای صلح

در عصر حاضر، مشارکت و سهم حداکثری زنان در تحولات اجتماعی، اقتصادی و روند نهادینه‌سازی دموکراسی‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی یک اصل اساسی و یک نیاز اخلاقی است که بر بنیان عدالت و حقوق بشر استوار بوده و در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل به امری ضروری شده است. نگاه توتالیتری و خشونت‌آمیز دیگر کارکردها و ماندگاری گذشته‌اش را ندارد. واضح است که توازن نوین بر پایه عدالت جنسیتی، موجب افزایش و رشد صلح در جامعه می‌شود. بنابراین نیاز است تا زمینه حضور حداکثری زنان در روند صلح مدنظر قرار گیرد.

به‌دنبال یک جرعه روشنایی

قصه‌ی زندگی دانش‌آموزانی که همسایه دیوار به دیوار انفجار شدند

عابر شایگان
گزارشگر

لامپ روی سقف که در روشنایی خجل آن قرار بود همدیگرمان را ببینیم و صحبت کنیم، یکباره تاریک می‌شود. همزمان با آن صدای اذان از منارەی مسجدهای دور و نزدیک بلند می‌شود و از دو پنجره‌ی چوبی کهنه می‌گذرد و در فضای اتاق سرد باقر، حمیدالله، محمدبصیر و عبدالخالق می‌پیچید، اتاق شش در چهار متری که نمی‌شود از گلیم دو متری آن پا را فراتر دراز کرد. از ۲۵ دانش‌آموزی که در کوچه‌ی منتهی به آموزشگاه کوثر دانش، در یک خانه‌ی محقر زندگی می‌کردند، بعد از حمله‌ی انتحاری سوم عقرب، حالا قرار است پنج دانش‌آموز این‌جا زندگی کنند. درست چند کوچه دورتر از آن اما با همان عزم و اراده. در هوای خاکستری و سرد شامگاه کابل، پتویی دور خودشان پیچیده‌اند و چراغ موبایل‌های‌شان را روشن کرده‌اند. در حلقه‌ی روشنایی محدود نور چراغ گوشی، کتاب‌های ریاضی، فیزیک، هندسه و جغرافی را برای چندمین بار می‌خوانند و می‌نویسند. قرار است زمستان سختی را تحمل کنند و در بهار کانکور و دانشگاه برسند.

هنوز سایه‌ی سیاه اولین «شنبه» عقرب در زندگی هر کدام‌شان جاری است. حمیدالله هنوز خودش را در دقایق بعد از انفجار در محوطه‌ی آموزشگاه می‌بیند که گیر افتاده است. صندلی شماره ۳۹۳ محمدنعیم در صنف و در ذهن باقر خالی است. تماس‌های تلفنی پدر محمدبصیر او را به دایکندی، به خانه فرا می‌خواند. عبدالخالق فکر می‌کند هر آن ممکن است کپسول گاز و دیگ بخاری پشت پنجره‌ی اتاق‌شان بترکد. محمدلطیف هنوز انفجار ساعت ۴ و ۳۵ عصر شنبه را نمی‌تواند باور کند که واقعا اتفاق افتاده است.

در همسایگی انفجار

عصر روز شنبه، ۳ عقرب، محمدلطیف ابراهیمی، ۱۹ ساله، با دوست و هم‌اتاقی‌اش امین‌الله ۲۰ ساله به اتفاق هم خانه‌ی گِلی‌شان را به مقصد آموزشگاه ترک می‌کنند. در کوچه‌ی بن‌بست آموزشگاه کوثر دانش، دانش‌آموزان زیادی در آمد و شدند. در ابتدای کوچه محافظ آموزشگاه، کیف‌های کتاب دانش‌آموزان را برای رعایت تدابیر امنیتی می‌گیرد و در اتاقک فلزی از قبل‌تعبیه‌شده می‌گذارد. دانش‌آموزان اجازه دارند که فقط کتاب، دفترچه و قلم با خود ببرند. محمدلطیف و دوستش در ابتدای کوچه در همهمه‌ی ورود و خروج دانش‌آموزان یکباره صدای نگران محافظ را می‌شنوند که با لحن جدی خطاب به یک فرد مشکوک در شکل و شمایل یک دانش‌آموز، می‌گوید: «کیف خود را کجا می‌بری؟ کیف خود را بگذار!»

ساعت ۳ و ۴۵ دقیقه است و محمدلطیف و دوستش از موقعیت قبلی چند قدم جلوتر گذاشته‌اند. یکباره نیرویی با صدای وحشتناک، فشار و شتاب غیرقابل تصور آن‌ها را به گوشه‌ای پرت می‌کند: «صحنه‌ای که ما دیدیم خیلی وحشتناک بود. بعضی‌ها، دستش نبود بعضی‌ها پایش نبود. خیلی سروصدا بود. یک دختر را من دیدم حتا نصف تنش نبود. دوستم هم زخمی شد، باز من او را روی شانه‌ی خود انداختم و به شفاخانه بردم.»

رأس همین ساعت و دقیقه، محمدبصیر در کف اتاق کرایی‌شان روی دفترچه و کتاب‌های درسی‌اش با رو خوابیده است و تکلیف‌های درسی‌اش را می‌نویسد. یک آن آتش و دود و خاک با فشار از پنجره روبه‌رویی وارد اتاق می‌شود و چهار ستون، سقف، در و دروازه را می‌لرزاند. محمدبصیر پیش از آن‌که از پشت پنجره‌ی درهم‌ریخته، دروازه‌ی متلاشی‌شده‌ی فلزی حیاط را ببیند، فکر می‌کند در همین نزدیکی‌ها کپسول گاز یا دیگ بخاری ترکیده است. خانه‌ای که بصیر، عبدالخالق، محمدلطیف، باقر و حمیدالله با حدود ۲۰ دانش‌آموز مسافر دیگر در آن زندگی می‌کردند، در وسط کوچه‌ی منتهی به آموزشگاه کوثر دانش موقعیت دارد و فرد انتحاری مواد انفجاری همراهش را دقیقا در مقابل دروازه‌ی ورودی حیاط آن منفجر کرده است. ۵۰ متر آن‌سوتر حمیدالله داشت وارد صنف درسی خود می‌شد، باقر اما از صنف دستور زبان فارسی بیرون شده بود و روی دیوار آموزشگاه داشت نمره‌ی امتحان آزمایشی خود را می‌دید. همصنفی‌های صنف ۷۰۰ نفری باقر که در صف جلویی می‌نشستند از بقیه زودتر بیرون شده بودند و در وسط کوچه، خون‌شان داشت روی زمین را سرخ می‌کرد. انفجار که شد به روایت دولت ۲۴ دانش‌آموز کشته و ۵۷ دانش‌آموز دیگر زخمی شدند. اما براساس آمار مسئولان آموزشگاه در این انفجار ۴۱ تن کشته و حدود ۸۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. قربانیان این انفجار به جز یک محافظ آموزشگاه، همه دانش‌آموزان بین ۱۶ تا ۲۰ سال بودند که برای ورود به دانشگاه، آمادگی می‌گرفتند.

باقر ده-دوازده نفر از این قربانیان را از نزدیک می‌شناخت، از جمله محمدنعیم زمانی که بغل‌دستش در صندلی شماره ۳۹۳ می‌نشست. به روایت نعمت حسن‌زاده، پسر عموی محمدنعیم، او ۱۸ سال داشت و در کنار درس‌خواندن با بقیه برادرانش در نانوایی هم کار می‌کرد. هم خودش و هم برادرانش آرزو داشتند که با ورود او به دانشگاه و فارغ‌التحصیل شدنش، مسیر باقی‌مانده‌ی زندگی را از نانوایی‌داری به شغل راحت‌تری تغییر بدهند.

۴ ساعت خواب، ۲۰ ساعت بیداری

بسیار از دانش‌آموزان که در آموزشگاه کوثر دانش درس می‌خوانند از ولایت‌های دور و نزدیک آمده‌اند و دور از خانواده‌شان در کوچه پس‌کوچه‌های دشت‌برچی در غرب کابل در خانه‌های ویژه‌ی مجردها زندگی می‌کنند. نوعی از خانه‌های قدیمی گلی درحال‌فرسایش که امکانات اولیه مثل حمام و آشپزخانه ندارد و معمولا خانواده‌ها آن را اجاره نمی‌کنند.

محمدبصیر میرزایی ۱۸ ساله، باقر رحیمی ۱۹ ساله و عبدالخالق اصغری ۱۸ ساله هر سه در روستایی در ولایت دایکندی بزرگ شده‌اند و با هم در یک مکتب درس خوانده‌اند. قبل از این‌که به آزمون سراسری کانکور اشتراک کنند، هر سه تصمیم می‌گیرند که باید آمادگی بخوانند. پس از ختم قرنطینه در کابل و بازگشایی آموزشگاه‌ها، دو ماه قبل از انفجار مرگبار سوم عقرب، مقداری تشک، لحاف و لباس برمی‌دارند و فاصله‌ی ۵۰۰ کیلومتر دایکندی تا کابل را در ۳۰ ساعت می‌پیمایند و برای نخستین بار به شهر پرانفجار کابل قدم می‌گذارند. جایی که قصه‌های نامامنی، انفجار و کشتار آن را قبلا فقط از بولتن‌های خبری تلویزیون و رادیو شنیده بودند، اما سرانجام در چندقدمی خودشان هم دیدند.

حمیدالله شجاعی، ۱۹ ساله سه ماه پیش از روستایی در پلخمری بغلان به کابل آمده است. جایی که ۲۰۰ خانواده زندگی می‌کنند و به گفته‌ی وی در این سال‌ها تشویق و حمایت خانواده‌ها از آموزش فرزندان‌شان بیشتر شده است.

محمدلطیف ابراهیمی، دو ماه قبل از انفجار از روستایش در مالستان ولایت غزنی برای گرفتن آمادگی کانکور به کابل آمده است. پدر و مادرش مشغول کشاورزی و دامداری است و از طریق همین کار، هزینه‌ی درس و زندگی او را تهیه می‌کنند.

این دانش‌آموزان مشتاق به درس و دانشگاه هر کدام از ولایت‌های مختلف آمده‌اند، اما داستان زندگی‌شان روی محور مشترکی می‌چرخد. خانواده‌ی همه‌شان کشاورزی و دامداری می‌کنند. همه اولین و یا دومین عضو خانواده هستند که شرایط ورود به دانشگاه را پیدا کرده‌اند. هزینه‌ی درس و اقامت آن‌ها در کابل با دست‌رنج پدر و مادرشان از محصولات محدود کشاورزی و یا فروش فراورده‌های حیوانی تهیه می‌شود، شبیه عبدالخالق اصغری که عضو یک خانواده شش نفری در میرامور دایکندی است و با پولی که خانواده‌اش از فروش پشم گوسفند و مقداری از محصولات کشاورزی به‌دست می‌آورد، قرار است برای اولین بار در تاریخ خانواده وارد دانشگاه شود. به‌همین قیاس آن‌ها در شرایط همسان و سخت‌کوشی بی‌نظیر، زیر سقف خانه‌ای سرد و محقر در کابل زندگی می‌کنند. روی تکه کاغذی که در دیوارهای اتاق چسبانده‌اند، ۲۴ ساعت را به‌طور مرتب و دقیقه‌به‌دقیقه زمان‌بندی کرده‌اند. ۴ ساعت (از ۱۲ شب تا ۴ بامداد) را برای خواب اختصاص داده‌اند و ۲۰ ساعت دیگر را برای خواندن و نوشتن کیمیا، ریاضی، تاریخ و جغرافی و رفتن به آموزشگاه و رویای زندگی بهتر. در طرف دیگر برنامه‌ی غذایی‌شان نوشته شده که همه‌اش لوبیا، برنج و نخود است و خبری از گوشت و میوه نیست. عبدالخالق می‌گوید که «گوشت خیلی گران است. پول گوشت برای ما سه چهار کیلو کاغذ و دفترچه می‌شود. این بهتر از گوشت است.»

ساعت‌های زنگ‌داری که روی چهار بامداد کوک شده، چه زنگ بزند یا نزند، آن‌ها ناخودآگاه رأس همین ساعت بیدار می‌شوند. هر کسی هم که به خواب بماند بقیه او را بیدار می‌کند. بعد از بیدارشدن بلافاصله سراغ درس‌های‌شان می‌روند. برق اگر باشد که خوب اگر نباشد در روشنی چراغ موبایل درس می‌خوانند. هوا که روشن شود، بعد از خوردن چای و نان خشک هر کدام طبق برنامه‌ی ازقبل‌تنظیم‌شده به مکلفیت‌های درسی‌شان می‌رسند.

اتاق شش در چهار متر که تازگی به سه‌هزار و ۵۰۰ افغانی کرایه کرده‌اند، امکانات ناچیزی دارد؛ یک حمام تنگ و تاریک با کف سیمانی که از حمام بودن فقط یک سوراخ برای خروج آب دارد و آشپزخانه‌ای بی‌پنجره‌ی گلی که امکان دارد هر لحظه سقف چوبی آن روی سرشان بریزد. به اضافه‌ی این‌ها، هیچ سوخت و وسیله‌ی گرمایشی برای فصل طولانی، تاریک و استخوان‌سوز کابل ندارند. می‌گویند تنها کاری که در زمستان از دست‌شان برمی‌آید، پوشیدن لباس‌های ضخیم و گرم است. با این همه، اتاق‌داری در چنین شرایطی برای هر کدام‌شان دست‌کم سه‌هزار و ۵۰۰ افغانی، بدون هزینه‌ی آموزشگاه، کتاب و دیگر لوازم تحریر، خرج دارد.

محمدبصیر میرزایی، دانش‌آموز ۱۸ ساله‌ای که از ولایت دایکندی آمده تا برای ورود به دانشگاه آمادگی کانکور بخواند/ عکس شبکه‌های اجتماعی

به‌دنبال روشنایی

مدت کمی از حمله‌ی انتحاری مرگ‌بار بر آموزشگاه کوثر دانش می‌گذرد اما بیشتر دانش‌آموزان این مرکز منتظر بازگشایی و از سرگیری درس‌شان هستند، از جمله دانش‌آموزان مسافری که از راه‌های دور آمده‌اند.

این همه ریسک و خطر و تحمل سختی برای چیست؟ این سوال را مشترکا از همه‌ی‌شان می‌پرسم. جواب‌ها مختلف است اما یک نقطه اشتراک دارد؛ «راه‌حلی جز درس و تحصیل نمی‌بینیم.»

محمدبصیر میرزایی، پاسخ مبارزه‌گرایانه‌ای دارد: «همین انفجار و انتحار که می‌شود، بیشتر ما را انگیزه می‌دهد که درس بخوانیم. دشمنان ما نمی‌خواهند که ما درس بخوانیم، آن‌ها که دست به این کارها می‌زنند ما بیشتر انگیزه می‌گیریم که درس بخوانیم و به آن‌ها نشان بدهیم که ما هیچ‌گاه از علم و دانش فاصله نمی‌گیریم.»

بعد از حمله، خانواده‌ی محمدبصیر برایش تماس گرفته‌اند و از بیم ناامنی‌های کابل او را به خانه فراخوانده‌اند اما او پاسخ داده که این‌جا در کابل می‌ماند و هر طور شده برای قبولی در رشته پزشکی آمادگی می‌گیرد: «در جواب‌شان گفتم نه، تا زمانی که زنده هستم درس می‌خوانم. ترس و وحشت هست ولی دیگر چاره‌ای نداریم. افغانستان همه‌اش همین‌طور است.»

باقر رحیمی فکر می‌کند اگر در مقابل تروریستان کم بیاورند، در نهایت در سرنوشت شبیه آن‌ها گرفتار می‌شوند: «اگر قرار باشد ما درس نخوانیم مثل همین کسانی می‌شویم که خود را انفجار می‌دهند، کسانی که مغزشان کار نمی‌کند. باید درس بخوانیم، چون درس راه انسان‌ساز است و در آینده اگر این کشور آباد شود توسط درس‌خواندن آباد می‌شود.»

عبدالخالق اصغری می‌گوید که راه دیگری وجود ندارد و سختی‌کشیدن برای دست‌یافتن به دانایی و توانایی ارزشش را دارد: «ناامنی و انفجار یک مانع است ولی این مانع نباید سد راه ما شود. خیلی سخت است که کم خواب بکنی، ۴ صبح از خواب بیدار شوی، با صد ترس کورس بروی و ممکن در کورس، در مسیر رفت و آمد با انتحاری و انفجار مواجه شوی، با این همه باید ادامه بدهیم، راه دیگری وجود ندارد.»

یاسین سروش از مسئولان آموزشگاه کوثر دانش می‌گوید که به‌دلیل درخواست مکرر و نیاز دانش‌آموزان دو هفته پس از حمله، در ۱۵ عقرب دروازه‌ی آموزشگاه را با تدابیر امنیتی بیشتر باز کرده‌اند. به گفته‌ی او این حمله آن‌چنان که انتظار می‌رفت، تأثیر زیادی روی دانش‌آموزان نداشته است. کماکان صنف‌های چندصدنفری این آموزشگاه شلوغ است و علاقه‌مندی زیاد: «چنین حملاتی جدای از تلفات جانی و خسارات مالی، روی نهاد و هر فرد تأثیر بدی به جا می‌گذارد. در کل بعد از این حمله ۲۰ تا ۲۵ درصد دانش‌آموزان در هر صنف کم شده است. بسیاری از دانش‌آموزان که مسافر بودند به ولایت‌های‌شان برگشته‌اند، برخی را هم خانواده‌های‌شان دیگر اجازه نمی‌دهد. آن‌ها حق دارند و این منطقی است.»

آقای سروش می‌گوید که با وجود خطر و نگرانی‌های جدی امنیتی روی چند دلیل دوباره تصمیم به بازگشایی این آموزشگاه گرفته‌اند؛ به گفته‌ی او دانش‌آموزان بعد از این حمله به دفتر آموزشگاه می‌آمدند و می‌گفتند اگر این مرکز تخریب هم شود آن‌ها حاضرند در کوچه درس بخوانند. به خانواده‌ی قربانیان که سر می‌زده‌اند، آن‌ها از او و مدیران این مرکز می‌خواسته‌اند که دوباره آموزشگاه را سر پا کنند: «به خانواده‌ی شهدا که سر زدیم آن‌ها گفتند شما این راه را ادامه بدهید. یک خانواده‌ی که فرزندش زخمی شده بود گفت اگر حتا او شهید هم می‌شد، ما فرزند دیگر خود را می‌فرستادیم که در همین مرکز درس بخواند. برای ما این پیام‌ها یک قوت قلب بسیار قوی بود که به هر نحوی شده، دوباره باید دروازه‌ی آموزشگاه را باز کنیم.»

مختار مدبر، ۲۸ ساله، مدیر مسئول آموزشگاه تاج و از شرکای کوثر دانش، دومین حمله‌ی خونین را در جریان شش سال مدیریت و تدریس در این آموزشگاه تجربه می‌کند. او که از شرکای آموزشگاه موعود بود و پس از حمله‌ی سال ۱۳۹۷ به این آموزشگاه آن را با تغییر نام به کاج، دوباره سر پا کرد، می‌گوید با وجود خطر زیادی که زندگی‌شان را تهدید می‌کند، آنچه او را به ادامه‌ی فعالیت ترغیب کرده، علاقه‌ای است که دانش‌آموزانش نشان می‌دهند و مسئولیت که خودش در قبال جامعه احساس می‌کند: «وضعیت مردم را که می‌بینیم، راهی جز آموزش نیست و باید همین راه را ادامه بدهیم. مسأله‌ی دیگر علاقه‌مندی و همت دانش‌آموزان است که بعد از این حملات می‌آیند و مشتاق درس‌خواندن هستند. دانش‌آموزان ما را در هیچ شرایط تنها نگذاشته‌اند و حتا زخمی‌ها پس از بهبود آمده‌اند و در رشته‌های خوبی هم قبول شده‌اند.»

آموزشگاه کوثر دانش در سال ۱۳۹۳ خورشیدی توسط ناظر حسین‌پور تأسیس شده و اکنون بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ دانش‌آموز دارد. این مرکز آموزشی در جریان شش فعالیت، دو بار مورد حمله‌ی انتحاری قرار گرفته است. بار نخست یک فرد انتحاری با جلیقه‌ی انفجاری در ماه حوت ۱۳۹۶ وارد یک صنف درسی این آموزشگاه شد که هنگام انداختن بمب دستی، تنها خودش کشته شد. آموزشگاه موعود در سال ۱۳۹۰ تأسیس شده و بعد از حمله‌ی انتحاری سال ۱۳۹۷ به کاج تغییر نام داده است. این آموزشگاه حدود ۲ هزار دانش‌آموز دارد و اکنون با مرکز آموزشی کوثر دانش به‌گونه‌ی مشترک فعالیت می‌کند.

سختی، تلاش و دیگر هیچ

از سال ۱۳۹۵ با حمله‌ی مهاجمان مسلح بر دانشگاه افغان-امریکایی در کابل، چرخشی در اهداف گروه‌های تروریستی در هدف قراردادن نهادهای آموزشی، آمد. پس از آن در ماه حوت ۱۳۹۶یک حمله‌ی نافرجام بر آموزشگاه کوثر دانش صورت گرفت که بر اثر آن فقط خود انتحاری کشته شد. در ماه اسد ۱۳۹۷ یک حمله‌ی انتحاری بر آموزشگاه موعود در غرب کابل صورت گرفت که جان دست‌کم ۵۰ دانش آموز را گرفت و حدود ۷۰ دانش‌آموز دیگر را زخمی کرد. در ماه عقرب امسال دومین حمله‌ی مرگبار بر آموزشگاه کوثر دانش صورت گرفت که تلفات سنگینی برجا گذاشت. یک هفته بعدتر سه مهاجم مسلح به دانشگاه کابل حمله کرد که ۳۵ نفر را کشت و ۵۰ تن دیگر را زخمی کرد.

در سوی دیگر به‌رغم امضای توافقنامه‌ی صلح میان ایالات متحده امریکا و گروه طالبان، هنوز تغییری در کاهش خشونت و تلفات غیرنظامیان در افغانستان به میان نیامده است. براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان ملل، رقم تلفات غیرنظامیان در افغانستان هنوز بالا و نگران‌کننده است. کمیسیون حقوق بشر افغانستان در گزارش خود گفته است که تنها در نیمه‌ی اول سال ۲۰۲۰ میلادی در مجموع یک هزار و ۲۱۳ غیرنظامی از جمله ۱۲۶ زن و ۲۲۵ کودک کشته شده و یک هزار و ۷۴۴ غیرنظامی از جمله ۱۷۱ زن و ۴۰۵ کودک زخمی شده‌اند.

همچنین با گذشت بیش از دو ماه از آغاز مذاکرات صلح بین هیأت دولت افغانستان و گروه طالبان در قطر، گشایشی در پیشرفت آن به میان نیامده و بر پایه‌ی آمار سازمان ملل این مذاکرات تأثیری در کاهش خشونت در این کشور نداشته است. دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان گفته است در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۰، بیش از ۲ هزار غیرنظامی در این کشور کشته و نزدیک به ۴ هزار غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند.

در کنار نامنی‌ها، براساس آمار وزارت تحصیلات عالی کشور سالانه بین ۳۰ تا ۳۵ هزار دانشجو از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی فارغ‌التحصیل می‌شوند که برپایه آمار اتحادیه کارگران فقط پنج درصد آن‌ها قادر به یافتن شغل می‌شوند. وزارت کار افغانستان هم می‌گوید از ۴۰۰ هزار نفر که سالانه درخواست کار می‌دهند ــ که ۷۵ درصد آن‌ها کارجویان تحصیل‌کرده‌اند ــ به‌طور اوسط ۲۵ درصد آن‌ها صاحب شغل می‌شوند.

با یک حساب ساده‌ی سرانگشتی، واضح می‌شود که چشم‌انداز روشن سیاسی، امنیتی و اشتغال‌یابی در افغانستان وجود ندارد. این شاخص‌های نامیدی و آینده مبهم را با دانش‌آموزان مشتاق درس و دانشگاه در میان می‌گذارم و می‌پرسم چه چیزی باعث می‌شود که این همه خطر و سختی را برای یک آینده‌ی مبهم و خاکستری تحمل کنند و دقیقا دل‌خوشی‌شان چیست؟

حمیدالله شجاعی پاسخ می‌دهد که می‌داند آینده‌ی کشور نامعلوم است، ولی اگر درس بخواند امکان پیشرفت و بهتر شدنش هست: «راهش همین درس است دیگر راهی نیست.»

عبدالخالق اصغری، استدلال می‌کند نفس دانایی و توانایی، ارزش آن را دارد که با هر مانعی روبه‌رو شود: «وقتی آدم یک هدف تعیین می‌کند که آن هدف به صلاح جامعه و اطرافیانش باشد و در آن خلوص نیت باشد، به‌نظر من مانع نمی‌تواند جلوی انسان را بگیرد. علم‌آموختن واجب است و اگر ما چهار سال دانشگاه هم بخوانیم و فارغ‌التحصیل شویم اگر کار هم پیدا نتوانیم، مسأله‌ای نیست، ما در واقع دانایی، توانایی کسب کرده‌ایم.»

باقر رحیمی که علاقه‌مند رشته اقتصاد است، نگاه بلندمدت‌تری برای خودش ترسیم کرده است: «این مهم نیست که بیکار بمانیم یا صاحب کار شویم، حداقل سوادداشتن بهتر است. بالاخره تا آخر بیکار و فقیر نمی‌مانیم. تا وقتی که زنده‌ایم زحمت خود را می‌کشیم. از بیکاری نگرانی ندارم، باسوادبودن مهم‌تر است. فعلا اکثر مردم افغانستان بی‌سوادند و زیر خط فقر زندگی می‌کنند. همه‌ی سختی‌ها را تحمل می‌کنیم که همین مشکلات در آینده تکرار نشود و نسل بعد از ما راحت‌تر زندگی کند.»

آموزشگاه کوثر دانش، بیش از هزار و ۵۰۰ دانش‌آموز دارد و از سال ۱۳۹۶ تا اکنون دو بار مورد حمله انتحاری قرار گرفته است. عکس: کوثر دانش

ترجمه

مرگ مارادونا نشان داد خشونت علیه زنان به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود

جوآن اسمیت، گاردین
مترجم: جلیل پژواک

مردی را در حال زدن شریک زندگی‌اش تصور کنید. تصویری که به ذهن‌تان می‌آید، مرد ژولیده‌ای است که صورتش از خشم به هم چلانده شده، دست خود را بالا آورده و آماده‌ی زدن است. همه‌ی ما این مرد را محکوم می‌کنیم، مگرنه؟ اما اگر این چهره‌ی عصبانی آشنا باشد و شما آن‌را قبلا هزاران بار به گونه‌ی کاملا متفاوتی دیده باشید چه؟ آیا بازهم محکومش می‌کنید؟ اگر این چهره‌ی عصبانی مثلا چهره‌ی معروف‌ترین و تحسین‌شده‌ترین فوتبالیست جهان، «دیگو مارادونا» باشد چه، آیا بازهم محکومش می‌کنید؟

با توجه به سیلی از پیام‌ها و تسلیت‌نامه‌هایی که در ستایش مارادونا پس از مرگ او در سن ۶۰ سالگی شاهد بودیم، به‌نظر می‌رسد ما در پذیرفتن این‌که قهرمانان ما، به‌ویژه قهرمانان ورزشی ما، نیز به خشونت خانگی متهم شده‌اند، و خشونت‌شان هم ثابت شده است، مشکل داریم. ما نمی‌توانیم چهره‌ی مارادونا، قهرمان‌مان را در این تصویر ناخوشایند یک مرد خشن و آزارگر، تصور کنیم. اما ویدیوی خشونت او وجود دارد.

این ویدیو که اولین‌بار شش سال پیش در یک کانال تلویزیونی آرژانتین پخش شد، مارادونا را درحال زدن دوست‌دخترش، «روسیو اولیوا»، نشان می‌دهد. اولیوا بازیکن سابق فوتبال حرفه‌ای و سه دهه از مارادونا بزرگ‌تر بود. این ویدیو مارادونا را نشان می‌دهد که روی پاهای خود لرزان ایستاده و برسر اولیوا فریاد می‌کشد. سپس، ویدیو مارادونا را در حالی نشان می‌دهد که به‌نظر می‌رسد دو بار اولیوا را می‌زند. صدای هر دو سیلی به‌وضوح در ویدیو شنیده می‌شود، همچنین صدای اولیوا که به اسپانیایی فریاد می‌زند «بس کن. بس کن.»

مارادونا اصلی‌بودن این ویدیو را به چالش نکشید، اما زدن اولیوا را انکار کرد. او گفت: «تلفن را برداشتم اما به خدا قسم که هرگز زنی را نزده‌ام.» این اولین‌بار نبود که اولیوا مارادونا را به آزار و اذیت متهم می‌کرد، هرچند هرگز این اتهامات رسمی نشد. حادثه‌ی دیگر در هواپیما و در مقابل چشمان ده‌ها شاهد اتفاق افتاد؛ هنگامی که مارادونا قبل از این‌که گردن اولیوا را بگیرد به او فحش داد. این زوج قبل از این‌که اولیوا دو سال پیش برای همیشه مارادونا را ترک کند، چند بار از هم جدا شده و دوباره بازگشته بودند.

مرگ مارادونا در روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته، با روز جهانی محو خشونت علیه زنان مصادف بود. در همان روز آمارهای رسمی نشان داد که یک-پنجم موارد خشونت‌های ثبت‌شده در انگلیس و ولز، در جریان و بلافاصله پس از قرنطینه‌ی سرتاسری در این کشور، موارد خشونت خانگی علیه زنان بوده است. این آمارها می‌توانست کسانی را که پس از مرگ مارادونا در ستایش او از نو نوشتند، اندکی به تأمل وادارد، اما آن‌ها این کار را نکردند. خشونت خانگی معمولا با غیرقابل تشخیص است یا نادیده گرفته می‌شود، مخصوصا اگر شخصی که مرتکب خشونت خانگی شده، یک نخبه ورزشی یا بازیگر معروف باشد. وقتی ورزشکار المپیک «اسکار پیستوریوس» دوست‌دختر خود، «ریوا استینکمپ» را به ضرب گلوله کشت، رسانه‌ها ابتدا این حرف اسکار را که او ریوا را با یک دزد اشتباه گرفته بود، باور کردند. اما بعدا پس از پایان روند طولانی تحقیقات، پیستوریوس به جرم قتل گناه‌کار شناخته شد.

وقتی زنان در یک رابطه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، خشونتی که متحمل می‌شوند، اغلب به‌عنوان اشتباه زودگذر توصیف می‌شود. اما از کوره در رفت‌های ناشی از حسادت مارادونا، مثلا وقتی که به اشتباه اولیوا را به لاس‌زدن با «داوید دخیا»، دروازه‌بان منچستر یونایتد متهم کرد و او را از خانه‌ی خود در دوبی بیرون انداخت، برای هر زنی که کنترل اجباری مرد را تجربه کرده باشد، به طرز وحشت‌ناکی آشنا خواهد بود. ماه گذشته مرگ «شان کانری»، بازیگر اسکاتلندی و دریافت‌کننده نشان شوالیه، موجی از پیام‌ها برای ادای احترام به او، و غم‌شریکی را به دنبال داشت. کانری نیز همانند مارادونا از فرش به عرش رسیده بود. او در ۱۴ سالگی مکتب را ترک کرده بود و قبل از این‌که به یک بازیگر بسیار موفق تبدیل شود، کارگری کرده بود. «نیکولا استورژئون»، نخست‌وزیر اسکاتلند پس از مرگ او گفت: «ملت ما امروز در سوگ یکی از عزیزترین فرزندانش نشسته.»

همان‌طور که قابل‌پیش‌بینی است، بسیاری از روایت‌ها درباره زندگی کانری، این ادعاها را که او در مقابل همسر اول خود، «دایان سیلنتو»، بازیگر استرالیایی، دست به خشونت زده و او را توکوب و بدنش را کبود ساخته، نادیده گرفته است. سیلنتو در خودزندگی‌نامه‌اش که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، نوشته که در یک مورد کانری اول او را با سیلی می‌زند، سپس او را به زمین می‌زند و در آخر با لگد ــ که به گفته سیلنتو او را «از زمین بلند کرد» ــ به بدنش می‌کوبد، و او از ترس خودش را در دست‌شویی قفل می‌کند.

کانری حتا از این‌که آزارگر بوده، اظهار ندامت نمی‌کرد. او در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۶۵ گفت: «من فکر نمی‌کنم که زدن زن مشکلی داشته باشد. گرچه توصیه نمی‌کنم زن را طوری بزنید که مرد را می‌زنید.» او در سال ۱۹۸۷ در مصاحبه‌ای با «باربارا والترز»، این دیدگاه خود در مورد زنان را تأیید کرد و گفت: «اگر همه‌ی گزینه‌های دیگر شکست خورده باشند و دیگر هشداری هم باقی نمانده باشد که طرف را بدهید، سیلی یا کف دست عیبی ندارد.» او تا سال ۲۰۰۶ خشونت خانگی را محکوم نکرد.

این‌گونه نیست که این مردان استثنا باشند. تعداد آن‌ها خیلی زیاد است و نمی‌توان آن‌ها را به‌لحاظ طبقه، ثروت یا تحصیلات تعریف کرد. یک آزارگر امکان دارد باستعداد و جذاب باشد. مثل قضیه «جانی دپ» که هوادارانش وقتی قاضی اکثر اتهامات مطرح‌شده «امبر هرد» ــ همسر سابق جانی دپ ــ را علیه او پذیرفت، نمی‌توانستند باور کنند این هنرپیشه‌ی جذاب و با استعداد یک آزارگر باشد.

ممکن است برای طرفداران ستاره‌های ورزشی و هواداران بازیگران برنده‌ی اسکار، اذعان به این‌که قهرمان‌شان با زنان بدرفتاری کرده‌اند، دردناک باشد. اما خشونت خانگی یک اپیدمی است و اگر سایت‌های هواداران و پیام‌های غم‌شریکی همچنان به نادیده‌گرفتن خشونت این ستاره‌ها ادامه دهند، اپیدمی خشونت خانگی متوقف نخواهد شد. ما همه مسئولیم و استعداد و یا ستاره و قهرمان‌بودن یک شخص آزارگر، نباید ما را از ادای مسئولیت‌مان بازدارد.

> مرگ مارادونا در روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته، با روز جهانی محو خشونت علیه زنان مصادف بود. در همان روز آمارهای رسمی نشان داد که یک-پنجم موارد خشونت‌های ثبت‌شده در انگلیس و ولز در جریان و بلافاصله پس از قرنطینه‌ی سرتاسری در این کشور، موارد خشونت خانگی علیه زنان بوده است.

دادگاه فرجام‌خواهی، شکایت وکلای ترمپ را برای تغییر نتایج انتخابات در ایالت پنسیلوانیا رد کرد

اطلاعات روز: یک دادگاه فرجام‌خواهی فدرال امریکا تلاش گروه حقوقی دونالد ترمپ رییس جمهوری این کشور علیه اعلام رسمی پیروزی جو بایدن در ایالت پنسیلوانیا را با قاطعیت رد کرده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، گروه قضاوت این دادگاه که سه قاضی عضو دارد، گفته است این شکایت، اساس ندارد و وکلای آقای ترمپ ادعای خاصی را که قابل بررسی باشد و یا مدارک و شواهد مربوط به آن را به دادگاه ارائه نکرده‌اند.

حکم این دادگاه شکستی بزرگ دیگری برای دونالد ترمپ است که تلاش می‌کند نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سوم نوامبر این کشور را تغییر دهند.

روز پنجشنبه آقای ترمپ گفته بود اگر جو بایدن در این ایالت پیروز اعلام شود از سر راه او کنار می‌رود.

با وجود این، او روز جمعه یک بار دیگر ادعاهای بی اساس خود را درباره «تقلب گسترده در آراء» تکرار کرد و در حساب توییتری خود نوشت « جو بایدن تنها در صورتی می‌تواند به عنوان رییس جمهوری وارد کاخ سفید شود که ثابت کند «آراء مسخرهاش از راه تقلب یا به شکل غیرقانونی به دست نیامده‌اند.»

حکم دادگاه چه بود؟

از دادگاه فرجام خواهی بخش سوم خواسته شده بود که حکم دادگاه بدوی در مخالفت با درخواست گروه حقوقی آقای ترمپ را لغو کند. در این شکایت وکلای آقای ترمپ خواستار ابطال میلیون‌ها رای پستی در ایالت پنسیلوانیا شده بودند.

دادگاه بدوی راه را برای مقام‌های ایالتی پنسیلوانیا هموار کرد تا بتوانند آقای بایدن را پیروز رسمی در این ایالت اعلام کنند و ۲۰ رای کالج انتخاباتی را به او بدهند.

در حکم این دادگاه، قاضی استفانوس بیباس نوشته است: «انتخابات آزاد و منصفانه آب حیات دموکراسی ماست. اتهام غیرمنصفانه بودن انتخابات اتهامی جدی است اما صرفا غیرمنصفانه خواندن انتخابات آن را غیرمنصفانه نمی‌کند. این اتهامات نیازمند مدعا و شواهد و مدارک برای اثبات آن است که ما هیچ کدام را در این پرونده نداریم.»

قاضی استفانوس از قضات منسوب دونالد ترمپ رییس جمهوری امریکاست.

در پی صدور این حکم، جنا الیس از وکلای کارزار انتخاباتی آقای ترمپ در حساب توییتری‌اش نوشت: « به سوی دیوان عالی!»

کارزار آقای ترمپ و تیم حقوقی آن چندین شکایت را با ادعای تقلب در آراء در چند ایالت امریکا به دادگاه برده‌اند اما نتیجه چندانی نگرفته‌اند.

ایالت‌های امریکا تا هشتم دسامبر وقت دارند که تکلیف مناقشه‌های انتخاباتی را روشن کنند. در غیر این صورت کالج‌های انتخاباتی روز ۱۴ دسامبر برای تعیین پیروز انتخابات با یکدیگر ملاقات می‌کنند.

خودداری دونالد ترمپ از پذیرش شکست در انتخابات روند اعلام نامزد پیروز را با مشکل روبرو کرده است.

باوجود این برای اجرای مراسم تحلیف و آغاز رسمی ریاست‌جمهوری آقای بایدن نیازی به پذیرش شکست از سوی دونالد ترمپ نیست.

واکنش خامنه‌ای و روحانی به ترور محسن فخری‌زاده

اطلاعات روز: حسن روحانی، رییس‌جمهوری ایران، در واکنش به ترور محسن فخری‌زاده گفت: «مسئولان مربوطه به‌موقع و مناسب» به این اقدام پاسخ خواهند داد.

به گزارش ایران اینترنشنال، روحانی روز شنبه هشتم قوس در جلسه ستاد ملی مدیریت کرونا گفت: «همه اتاق‌های فکر و دشمنان ایران بدانند ملت ایران و مسئولان شجاع‌تر و غیورتر از آن هستند که این اقدام جنایتکارانه را بی‌پاسخ بگذارند و مسئولان مربوطه به‌موقع و مناسب، پاسخ این جنایت را خواهند داد.»

او با «وحشیانه» خواندن ترور این عضو ارشد سپاه پاسداران ادامه داد که این اقدام «نشان می‌دهد که دشمنان ما در هفته‌های پراضطرابی هستند، هفته‌هایی که احساس می‌کنند دوران فشار آن‌ها کم می‌شود و شرایط جهانی تغییر می‌کند».

رییس‌جمهوری ایران با بیان این‌که کشورش «هوشمندتر و حکیم‌تر» از آن است که در «دام توطئه» اسرائیل بیفتد، گفت: «آن‌ها در فکر ایجاد یک آشوب و بلوا هستند. بدانند ما دست آن‌ها را از پیش خواندیم و آن‌ها موفق نخواهند شد به اهداف خبیثانه خودشان دست پیدا کنند.»

همزمان، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، از مسئولان این کشور خواست برای «مجازات قطعی عاملان و آمران» این ترور تلاش کنند.

خامنه‌ای روز شنبه در پیامی، فخری‌زاده را «دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی» توصیف کرد که جانش را در راه «تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود» از دست داد.

رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به این‌که دو موضوع باید در دستور کار قرار گیرد، ادامه داد: «نخست پیگیری این جنایت و مجازات قطعی عاملان و آمران آن و دیگر پیگیری تلاش علمی و فنی» فخری‌زاده در همه بخش‌هایی که به آن‌ها اشتغال داشت.

روحانی پیشتر در پیامی بدون اشاره به فعالیت‌های هسته‌ای فخری‌زاده از او به عنوان «دانشمند» نام برد و «استکبار جهانی» و اسرائیل را عامل ترور محسن فخری‌زاده دانست. همزمان فریدون عباسی، رییس اسبق سازمان انرژی اتمی و نماینده فعلی مجلس، نسبت به «انکار هسته‌ای بودن فخری‌زاده» در سخنان مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

روحانی در پیام خود نوشت ترور فخری‌زاده «ناشی از عجز و ناتوانی دشمنان» ایران «در برابر حرکت علمی و افتخارات و توانمندی‌های» این کشور و «شکست‌های پی‌درپی آنان در منطقه و دیگر عرصه‌های سیاسی جهان» بوده است.

او در این پیام افزود: «بی‌تردید وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با ابتار و تلاش روزافزون و بهره‌گیری از همکاران و شاگردان این شهید والامقام [فخری‌زاده]، جای خالی این دانشمند خدوم را پر خواهد کرد.»

همزمان ابراهیم رییسی، رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران، نیز در پیامی «عناصر خود فروخته و وابسته به بیگانگان و صهیونیسم بین‌المللی» را عامل ترور فخری‌زاده معرفی کرد.

پیشتر محمود واعظی، رییس دفتر روحانی، در واکنش به ترور فخری‌زاده، تاکید کرده بود: «بی‌تردید تمام عوامل و ایادی این حرکت مزورانه با تلاش نیروهای نظامی و امنیتی به‌زودی شناسایی شده و پاسخ سخت و کوبنده دریافت خواهند کرد.»

علاوه بر رییس دفتر روحانی، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، نیز در پیام خود درباره ترور فخری‌زاده، گفت:«طراحان، عاملان و حامیان این ترور بدانند انتقام و مجازات سخت از آنان در دستور کار قرار گرفته است.»

مبارزه با دخانیات در کوریای شمالی؛ تکلیف با رهبری که مرتب سیگار می‌کشد چیست؟

اطلاعات روز: مبارزه با سیگار کشیدن در کوریای شمالی یک موضوع عادی است ولی وقتی رهبر این کشور مرتبا در انظار عمومی سیگار می‌کشد، چطور این مبارزه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد؟

طبق داده‌های سازمان جهانی بهداشت بیش از ۴۶ درصد مردها در کوریای شمالی سیگار می‌کشند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، اخیرا قانونی در این کشور تصویب شد که ممنوعیت کشیدن سیگار در اماکن عمومی را مشخص کرده و برای فراهم کردن محیط «با فرهنگ‌تر و بهداشتی‌تر» برای مردم مقرراتی را به اجرا می‌گذارد.

ولی رسانه‌های دولتی اغلب کیم جونگ-اون، رهبر کوریای شمالی را در حالی که سیگار در دست دارد، نشان می‌دهند. از این رو این سئوال پیش می‌آید که تدابیر ضد سیگار این کشور دقیقا تا چه حد نتیجه بخش خواهد بود؟

قانون جدید چه می‌گوید؟

قانون ممنوعیت دخانیات که در اوایل نوامبر تصویب شد مقرراتی را تعیین کرده که به موجب آن تمام نهادها، سازمان‌ها و شهروندان «باید از جان و سلامت مردم» محافظت کنند.

این قانون «کنترل قانونی و اجتماعی تولید و فروش سیگار و استفاده از دخانیات را که سیاست منع دخانیات کشور آن را ملزم می داند، تشدید می‌کند».

قانون مورد بحث همچنین اماکنی را که کشیدن سیگار ممنوع شده مانند جاهایی که برای «آموزش سیاسی و ایدئولوژیک» در نظر گرفته شده، تئاترها، سینماها، واحدهای آموزشی، تسهیلات بهداشت و ترانسپورت عمومی» را مشخص کرده است. صحبت‌هایی هم در باره جریمه سرپیچی از این مقررات شده ولی رسانه‌های دولتی این جریمه‌ها را شرح نداده‌اند.

چند روز پس از تصویب این قانون، خبرگزاری مرکزی کوریای شمالی که یک خبرگزاری دولتی است، با نقل قول از «پزشکان و کارشناسان سراسر جهان» اعلام کرد که مصرف کنندگان دخانیات در ابتلا به ویروس کرونا آسیب پذیرترند.

چرا کمپین‌های مبارزه با دخانیات تا این حد زیاد است؟

کوریای شمالی یکی از امضا کنندگان چارچوب کنوانسیون کنترل دخانیات است که سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۵، ترتیب آن را داده بود و به همین جهت برای مبارزه با کشیدن سیگار به طور مرتب برنامه‌هایی اجرا می‌کند.

بنا بر قانون کنترل دخانیاتِ کوریای شمالی که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، روی بسته‌های سیگار برچسب‌های هشدار در مورد خطرات کشیدن سیگار گذاشته شد و محدودیت‌هایی هم برای سیگار کشیدن در اماکن عمومی در نظر گرفته شد.

تلویزیون مرکزی کوریای شمالی کسانی را که صبح و شب سیگار می‌کشند، «اشخاص ناآگاه» خوانده است.

در سال ۲۰۱۹، خبرگزاری مرکزی کوریای شمالی از به راه افتادن یک کمپین پُر شور و حرارت خبر داد که هدفش آشنا کردن کسانی که سیگار می‌کشیدند با مضرات آن بود. رسانه‌های دولتی هم تدابیری برای محدود کردن واردات سیگارهای خارجی، اتخاذ کردند.

در سال ۲۰۲۰ وبسایتی به منظور دادن اطلاعات در باره خطرات کشیدن سیگار به راه افتاد. وبسایت تبلیغاتی آیرینگ-میری، نوشت که «در کمپین‌های ضد سیگار،علم و اطلاعات نقش مهمی دارد».

تکلیف با رهبری که مرتب سیگار می‌کشد چیست؟

ولی کیم جونگ-اون، رهبر کوریای شمالی دائما سیگار می‌کشد و در جریان بازدیدهایش خواه از یک اردوگاه کودکان باشد یا نظارت بر یک آزمایش موشکی، همیشه سیگار به دست دیده می‌شود.

در جریان کمپین ضد سیگار، رهبر کوریای شمالی را می‌توان در حال روشن کردن سیگارش دید.

در فوریه ۲۰۱۹، هنگامی که برای دومین دیدارش با دونالد ترمپ، با ترن عازم ویتنام بود، فیلمی نمایش داده شد که او را در حال کشیدن سیگار در حین استراحت، نشان می‌داد. در این فیلم می‌بینیم که کیم یو-جونگ، خواهر رهبر کوریای شمالی زیر سیگاری را برای او نگه داشته است.

ری سول-جو، همسر کیم جونگ-اون در گذشته او را ترغیب به ترک سیگار کرده بود ولی بعضی از رسانه‌های محلی به نقل از ری سول-جو، نوشته‌اند که رهبر کوریای شمالی به این توصیه‌ها «گوش نمی‌دهد».

برای سالیان دراز نرخ مصرف دخانیات در کوریای شمالی بالا بوده و هنوز هم همچنان بالاست؛ اگر چه به نظر می‌رسد با سرعت بسیار کم در حال کاهش است.

بنا بر گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۹، حدود ۴۶.۱در صد افراد ذکور بالای ۱۵ سال سیگاری بوده‌اند. طبق آمار زنان کوریای شمالی سیگار نمی‌کشند که ممکن است احتمالا به این دلیل باشد که در جامعه این کشور به زنانی که سیگار می‌کشند به چشم حقارت نگاه می‌شود.

جیمز بنفیل، مدیر CoreanaConnect یک سازمان غیر انتفاعی مستقر در امریکا برای زنان کوریای شمالی، به بخش مانیتورینگ بی‌بی‌سی گفت «سیگار کشیدن در انظار عمومی برای زنان به خصوص زنان جوان‌تر، هم از لحاظ فرهنگی و هم اجتماعی یک تابو محسوب می‌شود. ولی بعضی از زنانی که ازدواج کرده‌اند یا سالخورده هستند، در خانه سیگار می‌کشند.»

مین چائو چوی، خبرنگار وبسایت تخصصی اخبار کوریای شمالی، می‌گوید: «کشیدن سیگار در کوریای شمالی به مردها اختصاص دارد. کشیدن سیگار در معاشرت مردان، کار و فرهنگ نظامی نقش دارد و از لحاظ فرهنگی برای مردها کشیدن سیگار حتی در حد افراط و اعتیاد قابل قبول است.»

در حقیقت در کمپین‌های دولتی از زنان برای منصرف کردن مردان از کشیدن سیگار استفاده می‌شود.

تلویزیون دولتی کوریای شمالی چندی پیش برنامه‌ای را پخش کرد که در آن زنان، مردانی را که سیگار می‌کشیدند، سرزنش کرده و آنان را «احمق‌هایی که محیط اطراف‌شان را خراب می‌کنند» توصیف می‌کردند.

جدا از مسئله شرایط فرهنگی و برابری جنسیتی، مصرف دخانیات باعث مرگ عده زیادی در کوریای شمالی می‌شود. به موجب داده‌هایی که Tobacco Atlas جمع آوری کرده، هر سال بیش از ۷۱ هزار و ۳۰۰ نفر در این کشور به دلیل بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار می‌میرند.

چه نتیجه‌ای از این کمپین‌ها حاصل شده؟

کی بی پارک، مدیر برنامه سیاست بهداشت کوریا در دانشکده پزشکی هاروارد، به بی‌بی‌سی گفت: «کمتر از نیمی از افراد ذکور بزرگسال یا ۴۶.۱ درصد مردم (کوریای شمالی) سیگاری هستند، در سال ۲۰۰۹ این رقم معادل ۵۲.۳ درصد بود. در طی ۱۳سال بیش از ۲۰ سفر به کوریای شمالی داشته‌ام و اکنون در پیونگ‌یانگ شمار کمتری از سیگاری‌ها را بخصوص در بین مردان جوان‌تر می‌بینم.»

ولی از آنجا که تهیه سیگار فوق‌العاده آسان و قیمتش ارزان است، به نظر می‌رسد برنامه‌ها متناقض است.

مین چائو چوی، می‌گوید: «کوریای شمالی مانند بسیاری از کشورها برداشت خودش از مدرنیته را دنبال می‌کند که بعضی از سیاست‌های بهداشت مدرن مانند نکشیدن سیگار از آن جمله است. فرق بین آرمان‌های رژیم و واقعیت غالبا بسیار است و این تفاوت را می‌توان در سیاست‌های مرتبط با سیگارِ دولت در برابر فرهنگ پُر رونقِ مصرف دخانیات مشاهده کرد.»

برخی از تحلیلگران معتقدند که برای ترک عادت سیگار کشیدن به بازدارنده‌های شدیدتری نیاز است.

جیمز بنفیل می‌گوید: «هدف از کمپین‌های ضد سیگار احتمالا کاهش کشیدن سیگار در جاهای بخصوصی است. در کوریای شمالی جز صِرف قدرت، مکانیسم بهتری جهت کمک به شخص برای ترک سیگار وجود ندارد.»

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
• مترجم: جلیل پژواک
• ویراستار: شیر مهریار
• صفحه آرا: رضا مظفری
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

رونالد کومان امیدوار است لیونل مسی را در بازی امروز برابر اوساسونا تازه نفس در اختیار داشته باشد.

بارسلونا پس از شکست از اتلتیکو در لالیگا توانست در لیگ قهرمانان با ۴ گل در زمین دینامو کیف پیروز شود و حالا با روحیه بیشتر خود را آماده مصاف با اوساسونا می کند. دیداری که امروز ساعت ۱۷.۳۰ در نوکمپ برگزار خواهد شد. بارسا در لالیگا با ۱۱ امتیاز در رده ۱۳ قرار دارد.

رونالد کومان سرمربی بارسا در نشست خبری این بازی گفت:« این یک بازی خانگی است و به خاطر وضعیت بدمان در جدول باید سه امتیاز را کسب کنیم. در این مورد با بازیکنان حرف زده ام. اوساسونا فصل گذشته نمایش خوبی برابر ما داشت ولی امسال شرایط متفاوت است و هر بازی داستان خود را دارد. اوساسونا خوب دفاع می کند و انتظار دارم که بازی دشواری داشته باشیم. اینکه ریتم بازی ما چطور باشد و چقدر موقعیت گل خلق کنیم و در استفاده از شانس های مان چگونه عمل کنیم، در نتیجه نهایی تاثیرگذار خواهد بود.»

مصدومیت سرجینیو دِست:« امروز در مورد او تصمیم گیری خواهد شد. باید ببینیم شرایط بازی را خواهد داشت یا خیر. داشت و دی یونگ نیز به همچنین. هر دو تمام بازی ها را در باشگاهی و تیم ملی در ترکیب بودند و نیاز نبود به اوکراین سفر کنند. باید در خانه می ماندند و استراحت می کردند. امیدوارم تازه نفس تر به میدان برگردند.»

کمبود مهره دفاعی:« پیکه مصدوم است و اومتیتی و رونالد آراوخو هم شرایط بازی را ندارند. دست هم وضعیتش نامعلوم است ولی می دانَم که او اگر به بازی نرسد، چه تدبیری را باید به کار ببرم.»

توافق باشگاه و بازیکنان برای کاهش دستمزدها:« باید شرایط اقتصادی باشگاه را مدنظر داشت و در این مورد کمک کرد. هم برای عشق و وفاداری به باشگاه و هم برای مصالح باشگاه. خبر توافق، خبر خوبی بود.»

ملاقات با نامزدهای ریاست باشگاه:« اگر با من در مورد شرایط تیم تماس بگیرند، صحبت خواهیم کرد.»

مسی:« فکر می کنم استراحت خوب داشت و دی یونگ نیز به همچنین. هر دو تمام بازی ها را در باشگاهی و تیم ملی در ترکیب بودند و نیاز نبود به اوکراین سفر کنند. باید در خانه می ماندند و استراحت می کردند. امیدوارم تازه نفس تر به میدان برگردند.»

مارادونا:« مرگ او تاثیر بدی روی همه و به خصوص ملت آرجانتین گذاشت. هیچکس نمی تواند عظمت و بزرگی دیه گو را برای آرجانتینی ها درک کند. من یک بار برابر دیه گو بازی کردم و به یاد دارم که هنگام گرم کردن توجهم فقط به او بود تا اینکه بخواهم روی گرم کردن خودم تمرکز کنم. او بهترین دنیا بود و خوش شانس بودم که کیفیت او را از نزدیک دیدم.»

۱۰۰ روز روی نیمکت بارسا:« بارسا شرایط خاصی داشت و مسئولیت یک باشگاه بزرگ را قبول کردم. باید سخت کار کرد تا شرایط را تغییر داد. مسلما قبلا در باشگاه های دیگر ۱۰۰ روز به مراتب راحت تری را پشت سر گذاشته بودم ولی از هدایت بارسا خوشحالم. تقویم فشرده هم به ضرر ماست و همه اینها به خاطر پاندمی کرونا حاصل شده اما جای بهانه و توجیهی نیست. باید فاصله را صدر جدول را کاهش دهیم و به رقابت برای قهرمانی لالیگا برگردیم.»

مرگ مارادونا ناراحت کننده بود

کومان: مسی باید در خانه می ماند و استراحت می کرد

دیدار تاریخی در والده‌بباس

روزی که کریستیانو با مارادونا ملاقات کرد

مارکا گزارشی از دیدار مارادونا از کمپ والده‌بباس رئال مادرید در نوامبر ۲۰۱۰ و دیدار او با کریستیانو رونالدو منتشر کرده است.

۱۹ نوامبر ۲۰۱۰، مارکا در آن زمان در حال ضبط مستند ژوزه مورینیو بود که به دوران ۱۰ ساله مربی گری او می‌پرداخت. یکی از کاستی‌های این مستند مصاحبه با کریستیانو رونالدو بود که به دلایل مختلف چند بار به تعویق افتاده بود. تا اینکه کریستیانو با سازنده این مستند تماس گرفته و از او دعوت می‌کند به مادرید بیاید تا در خانه خورخه مندس مصاحبه انجام شود. مصاحبه کوتاهی با کریستیانو انجام شده و او برای تمرینات بعد از ظهر رئال راهی کمپ باشگاه می‌شود.

نونو لوز سازنده مستند مورینیو در خانه خورخه مندس در حال خوردن ناهار است که زنگ به صدا در می‌آید و ناگهان دیگو آرماندو مارادونا وارد خانه می‌شود. نونو لوز می‌گوید از دیدن دیگو شوکه شده بود. او هرگز دیگو را از نزدیک ندیده بود. او می‌گوید مندس از من فقط یک چیز خواست: « از دیگو مصاحبه نخواه و گر نه می کشمت! »

دوربین لوز خاموش است ولی فیلمبردار او مصاحبه‌ای را به یاد دیگو می‌آورد که در سال ۱۹۹۲ در سویا با او داشته است. جالب اینجا است که دیگو آن مصاحبه را به یاد دارد. دیگو از نونو لوز می پرسد: « اینجا چه کار می‌کنی؟ و لوز در پاسخ توضیح می‌دهد که برای مستند مورینیو به مادرید آمده. دیگو اما از او می‌خواهد که دوربینش را روشن کند چرا که می‌خواهد در این مستند حضور داشته باشد.

مندس که وارد اتاق می‌شود با عصبانیت به لوز می‌گوید: « مگر نگفتم از او مصاحبه نخواه». لوز توضیح می‌دهد دیگو بوده که شخصاً خواهان حضور در این مصاحبه بوده. همسر مندس در ادامه از مارادونا می‌خواهد برایش یک پیام تبریک تولد ضبط کند.

مندس اما با کریستیانو رونالدو تماس گرفته و از او می‌خواهد برای حضور در این قسمت از مستند خودش را برساند. کریستیانو به سرعت این درخواست را اجابت می‌کند تا اولین برخورد نزدیک رونالدو و مارادونا شکل بگیرد. مارادونا و مورینیو به همراه نونو لوز به کمپ والده بباس رفته و بعد از رونالدو چندین نفر از بازیکنان رئال به جمع آنها ملحق می شوند: کاسیاس، سرخیو راموس، دی ماریا و ایگواین.

در ادامه بازیکنان رئال مادرید و از جمله کریستیانو پیراهنهای رئال را برای مارادونا امضا کرده و به او هدیه می دهند. اما پیامی که مورینیو روی پیراهن امضا شده رئال می نویسد بسیار جذاب است. مورینیو روی پیراهن رئال که نام خودش بر پشت آن حک شده برای دیگو نوشت: « من شرمنده ام که برای دیگو پیراهن امضا کنم. تو شماره یک هستی. من ستایشت می کنم».

مورینیو سالها بعد به عنوان سرمربی تاتنهام و بعد از انتشار خبر مرگ مارادونا در کنفرانس بازی تیمش با لودوگورتس به این خبر واکنش نشان داد و گفت: « یک مارادونا هست و یک دیگو. لازم نیست راجع به مارادونا چیزی بگویم چرا که همه او را می شناسند. ولی دیگو متفاوت است. کسانی که با دیگو همکار بودند واقعاً خوش شانس هستند. من و دیگو تماس تلفنی داشتیم. او مرد بزرگی بود و قلب بزرگی داشت».

خبرهای کوتاه

تکذیب سرمربی ساوتهمپتون؛ جانشین سولسشر نیستم

رالف هاسن‌هوتل سرمربی اتریشی ساوتهمپتون درباره شایعات اخیر مبنی بر جانشینی او با اوله گنار سولسشر در منچستریونایتد توضیحاتی ارائه داد.

اخیراً بعد از کسب نتایج ضعیف توسط منچستریونایتد شایعات زیادی درباره احتمال اخراج اوله گنار سولسشر سرمربی این تیم مطرح شده بود. یکی از گزینه های اعلام شده به عنوان جانشین او رالف هاسن هوتل سرمربی اتریشی ساوتهمپتون بود. هاسن هوتل در آستانه بازی امروز تیمش مقابل یونایتد درباره این شایعات صحبت کرد.

هاسن‌هوتل در آستانه این بازی به خبرنگاران گفت: « من به این شایعات گوش نمی‌دهم. البته من هر وقت زمان داشته باشم برنامه‌های رادیویی درباره فوتبال را گوش می‌کنم چون این برنامه‌ها واقعاً جذاب هستند. اما تمرکز من فقط اتفاقاتی است که در این باشگاه می افتد».

سرمربی اتریشی ساوتهمپتون در ادامه‌ها گفت: « من با ساوتهمپتون یک قرارداد بلندمدت امضا کرده ام. پیشرفتی که ما در این باشگاه کرده ایم و می کنیم برایم واقعاً لذت بخش است. معتقدم در ساوتهمپتون اتفاقی جذاب در حال رخ دادن است».

پایان رسمی همکاری سرخیو راموس با نایکی

کاپیتان رئال مادرید از این پس محصولات آدیداس را تبلیغ خواهد کرد و به همکاری خود با نایکی پایان داد.

سرخیو راموس روز جمعه برای اولین بار در استوری اینستاگرام خود از کفش های آدیداس استفاده کرد و به این ترتیب و به پایان همکاری ۱۰ ساله اس با کمپانی آمریکایی نایکی، رسمیت بخشید.

راموس برای مدت ۱۰ سال یکی از ستاره های فوتبال بود که محصولات نایکی را تبلیغ می کرد اما سپتامبر گذشته شایعات قطع همکاری او با نایکی منتشر شد. نایکی به او پیشنهاد قرارداد سالی ۱.۵ میلیون یورو را پیشنهاد داد که بیش از دو برابر قرارداد قبلی او(سالانه ۶۰۰ هزار یورو) بود اما در نهایت راموس حاضر به تمدید نشد.

نیو بالانس، آندر آرمور، آدیداس و پوما برای عقد قرارداد با سرخیو راموس در رقابت بودند و او در نهایت آدیداس را ترجیح داد.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکرهنی، اوبولګولواو مالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری ومالداری
پروژه زراعت و مالداری به اشتراک مردم

«اعلان مجدد دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP/14032020/NCB
پروژه زراعت ومالداری به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت ، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی تهیه وخریداری سولر خشک کن برای ولایات کابل ، پروان ، لوگر را مطابق به مشخصات ارایه شده درشرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تدارکات پروژه CLAP ویا از ویب سایت اداره تدارکات ملی) www.npa.gov.af) وهم چنان معلومات متذکره را میتوانند از ویب سایت وزارت زراعت، آبیاری ومالداری(www.mail.gov.af) (و ویب سایت اکبر(www.acbar.org) بدست آورده ، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته ازتاریخ نشراعلان الی ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تدارکات پروژه زراعت ومالداری به اشتراک مردم ، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداری تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمیباشد.
جلسه آفر گشایی پروژه متذکره بتاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت ،آبیاری و مالداری دایر میگردد.
تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۲۵۰,۰۰۰.۰۰) دوصد پنجاه هزارافغانی میباشد.

هر روز روزنامه اطلاعات‌روز را پشت در منزل‌تان دریافت کنید

قیمت: ۳۰ افغانی	برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
	شش‌ماهه	٤٠٠٠ افغانی	120$ USD	6 Months
	یک‌ساله	۷۰۰۰ افغانی	200$ USD	Annual

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

اطلاعات روز

Sunday | 29 November 2020 | Year 09 | No 2035

یک‌شنبه | ۹ قوس ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۲۰۳۵

شوک پس از انفجار در بامیان؛

شهر به‌هم ریخته و پاسخ مسئولان قناعت‌بخش نیست

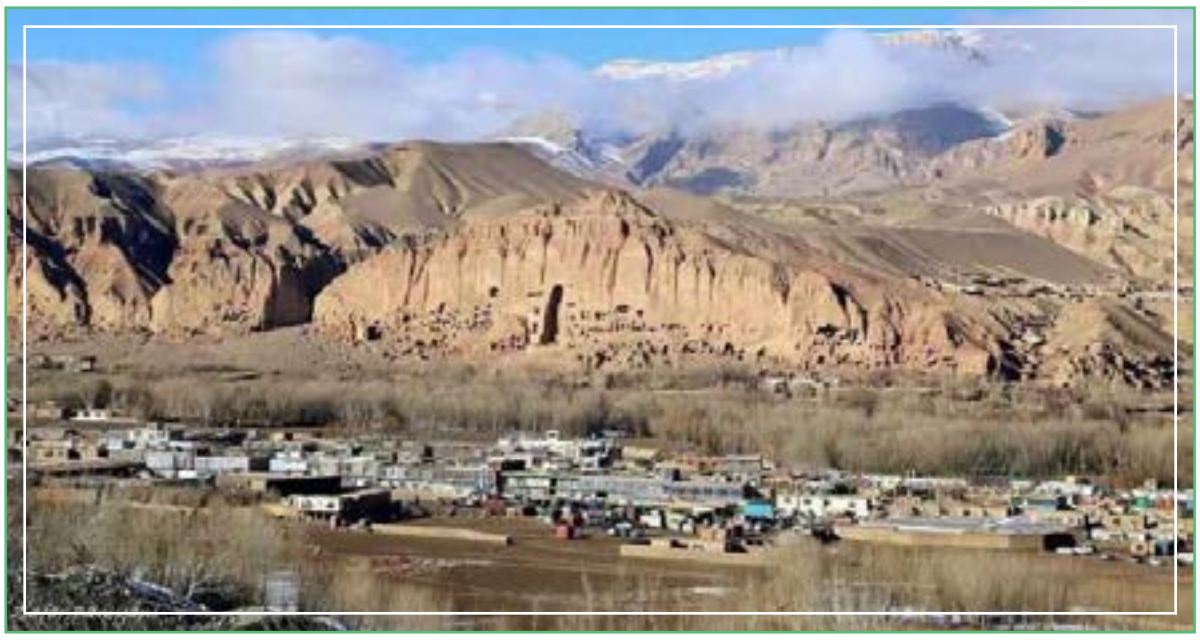

عبدالواحد حیدری
گزارشگر

نظیفه حیدری، خبرنگاری که هر روز صبح از از دره فولادی با پیمودن حدود ۱۴کیلومتر به دفتر کارش در شهر بامیان می‌آید اما دو روزی که وضعیت در شهر و اطراف این ولایت به‌هم ریخته بود و نظیفه هم آن دو شب را به خانه‌اش در دره فولادی رفته نتوانسته بود.

به گفته‌ی نظیفه ترس، وحشت و نگرانی در سر و صورت همه موج می‌زند، دکان‌ها و فروشگاه‌ها در شهر بامیان بسته شده، دیگر از شلوغی و بیروبار هفته‌های قبل خبری نیست، دهقانان کچالوهای‌شان را در شلوغی شهر در معرض فروش قرار نمی‌دهند و مردم تلاش می‌کنند که از رفتن به شهر خودداری کنند.

مرکز بامیان تا همین چند روز پیش این‌گونه نبود، زمستان سرد و طاقت‌فرسای بامیانی‌ها را به شهر کشانده بود و احتمالا برای روبه‌روشدن با زمستان آمادگی‌های لازم را اتخاذ می‌کردند. حوالی ساعت ۴:۴۰ دقیقه‌ی بعدازظهر روز سه‌شنبه، ۴ قوس انفجار پی‌هم دو حلقه ماین مرکز امن‌ترین ولایت افغانستان را تکان داد. به گفته‌ی سخن‌گوی فرماندهی پولیس بامیان، این انفجارها در ساحه‌ی سه‌راهی شفاخانه و روبه‌روی هتل مامانجف در مرکز این شهر رخ داده است.

علی آقا ناصری، رییس صحت عامه ولایت بامیان به اطلاعات روز گفت که در این انفجارها دست‌کم ۱۵ نفر کشته و ۵۹ نفر دیگر زخمی شده‌اند. او گفت که در میان قربانیان زنان و کودکان هم شامل‌اند. اما یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که یک روز پس از انفجار (چهارشنبه، ۵ قوس) منتشر شده، نشان می‌دهد که در این انفجارها ۱۸غیر نظامی کشته و ۵۹ نفر زخمی شده‌اند.

دفتر والی بامیان روز شنبه، ۸ قوس با نشر اعلامیه‌ای گفته: «در این رویداد تروریستی ۱۷ تن به‌شمول دو تن از منسوبان پولیس بامیان شهید شدند و ۵۸ تن دیگر زخم برداشتند که از این میان ۴۱ تن جراحت سطحی داشتند و ۱۶ تن که شدیدا مجروح شدند و جهت درمان به شفاخانه‌های کابل منتقل گردیدند.»

در طول دو دهه‌ی گذشته از بامیان به‌عنوان ولایت کاملا امن افغانستان نام برده می‌شد. درحالی‌که دیگر ولایات افغانستان روزانه شاهد حوادث خونین بود، اما ولایت بامیان مکان امنی برای همه به‌شمار می‌رفت و سالانه شمار زیادی از شهروندان افغانستان با خاطر آسوده به این ولایت سفر می‌کردند. نظیفه که فقط دو دقیقه قبل از محل وقوع رویداد گذشته بوده، می‌گوید وقتی به ساحه برگشته «وضعیت بسیار خراب» بوده است. او می‌گوید زخمی‌ها در شفاخانه در وضعیت بدی قرار داشت و رسیدگی به آن‌ها صورت نمی‌گرفت. به گفته خانم حیدری، وضعیت شماری از زخمی‌ها خیلی بد نبوده، اما چون رسیدگی نشده، وضعیت‌شان بحرانی شده است: «در شفاخانه بامیان به هرکسی که واسطه داشته باشد، رسیدگی می‌شود.»

هفته گذشته (چهارشنبه، ۵ قوس)، کمیسیون حقوق بشر افغانستان در اعلامیه‌ای خود خواستار انتقال زخمیان این رویداد به کابل شده بود. در این اعلامیه آمده بود که وضعیت ۱۴ زخمی این رویداد وخیم است: «تقریبا ۱۸ ساعت از انفجار در بامیان گذشته است. به‌دلیل کمبود یا نبود امکانات لازم برای رسیدگی به زخمیان، خانواده‌های آن‌ها از حکومت خواستار انتقال آن‌ها به کابل‌اند. کمیسیون از حکومت و نهادهای امدادرسان ملی و بین‌المللی می‌خواهد که برای انتقال فوری زخمیان به کابل اقدام کنند.»

در این اعلامیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همچنین از نهادهای امنیتی و عدلی و قضایی خواستار محافظت از امنیت بامیان، مجازات عاملان کشتار، تأمین عدالت برای بازماندگان و جبران خسارت‌های واردشده بر شهروندان شده است.

واحد، کودکی که حدود ۱۰ سال سن دارد و همه‌روزه از منطقه‌ی زرگران از مربوطات مرکز بامیان برای جمع‌کردن کارتن و کاغذپاره‌های به شهر بامیان می‌آمده تا توشه‌ی سوخت زمستان را جمع‌آوری کند، هم در میان زخمیان این رویداد است. حبیب مامایش که از او مراقبت می‌کند به اطلاعات روز گفت که واحد از ناحیه بند پشت و دستانش زخم برداشته است. حبیب هم تأیید می‌کند که در شفاخانه حوزوی بامیان امکانات و مراقبت درست وجود نداشت و آنها مجبور می‌شود که واحد زخمی را از راه زمینی به کابل بیاورد. حالا در شفاخانه ایمرجنسی بستری است.

در همین حال، وزارت صحت عامه می‌گوید که شماری از زخمیان این رویداد به کابل انتقال داده شده است و وزارت دفاع ملی هم با نشر عکس‌های از انتقال زخمیان گفته است که شماری از زخمیان را با چرخبال‌های ارتش به کابل انتقال داده است.

معاون سخن‌گوی وزارت صحت عامه دو روز پس از انفجار (پنج‌شنبه، ۶ قوس)به اطلاعات روز گفت که حدود ۳۰ زخمی از بامیان به کابل انتقال داده شده‌اند. معاون سخن‌گوی این وزارت می‌پذیرد که در شفاخانه‌ی حوزوی بامیان امکانات کافی و لازم وجود ندارد.

شام همان روز نظیفه وقتی می‌خواهد به خانه‌اش در فولادی برگردد، می‌بیند که نیروهای امنیتی همه جاده‌ها را مسدود کرده و او مجبور می‌شود دو شب را در اتاق دوستش در مرکز بامیان سپری کند: «امشب می‌خواهم به خانه بروم.» این خبرنگار محلی می‌گوید که در پی انفجارها شماری زیادی از دانشجویان، بامیان را ترک کرده و یا در حال ترک‌کردن‌اند. دانشجویان به او گفته‌اند که خانواده‌هایش از آن‌ها خواسته که بامیان را ترک کنند تا در امان باشند: «امروز به بانک رفته بودم و در آن‌جا شماری از دانشجویان را دیدم که برای گرفتن بدل‌اعاشه‌شان آمده بودند و می‌گفتند که چون پول نداشته هنوز مانده‌اند.»

پاسخ مقامات محلی بامیان قناعت‌بخش نیست

تاکنون فرد یا گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است و گروه طالبان هم هر نوع دست‌داشتن در این رویداد را رد کرده است. در پی این انفجار، فعالان جامعه مدنی بامیان و خانواده قربانیان از مقامات محلی به‌شمول والی، فرمانده پولیس و رییس امنیت ملی خواستار وضاحت در مورد عاملان این رویداد می‌شوند اما پاسخی که دریافت می‌کنند، برای آن‌ها قناعت‌بخش نبوده است.

اسماعیل ذکی، رییس جامعه مدنی بامیان به اطلاعات روز گفت جزئیاتی که فرمانده پولیس و والی بامیان به آن‌ها داده قناعت‌بخش نیست. آقای ذکی می‌گوید که مقامات محلی چنین پاسخ داده‌اند: «۲۰ یا ۳۰ دقیقه بعد از حادثه ما سه نفر را دیدیم که از یک سرای بیرون شده و می‌رفتند به‌سوی یک موتر که منتظرشان بود. آن‌ها هم فیلم می‌گرفتند و گزارش تهیه می‌کردند. ما سر آن‌ها مشکوک شده و دستگیر کردیم. هر سه نفرشان از خارج از بامیان است اما چون تذکره ندارند، هویت‌شان تثبیت نشده است. گاهی خود را از قره‌باغ کابل، گاهی از پنجشیر و گاهی از سمنگان معرفی می‌کنند.»

فعالان مدنی بامیان در پی این رویداد خونین خیمه‌ی تحصن برپا کرده که هنوز هم ادامه دارد. آن‌ها می‌گویند که پولیس در تأمین امنیت خیمه‌های‌شان هم کوتاهی می‌کند: «از دیروز تا حالا [پنج‌شنبه، ۶ قوس] از بخش‌های مختلف مورد تهدید غیرمستقیم قرار گرفتیم که می‌گوید نباید خیمه را برگزار کند و ما امنیت شما را گرفته نمی‌توانیم که عملا هیچ پولیسی برای تأمین امنیت ما نیامده است. ما دیروز یک ورقه را به فرماندهی پولیس بامیان برده‌ایم که ما خیمه تحصن برپا می‌کنیم، اما متأسفانه تا هنوز هیچ کاری نکرده است.»

آقای ذکی می‌گوید که بامیان یک شهر کوچک است و در آن‌جا بستری برای تروریسم وجود ندارد. «حکومت محلی بامیان و حکومت مرکزی باید تضمین دهند که امنیت مردم بامیان را تامین می‌کنند.»

او همچنان می‌گوید: «خواست ما از شورای امنیت سازمان ملل متحد این است افرادی که در افغانستان مرتکب قتل افراد ملکی می‌شود باید در لیست سیاه این سازمان قرار داده شود و با آن‌ها برخورد جدی شود.»

در روز انفجار، دفتر مطبوعاتی والی بامیان اعلام کرده بود که دو تن از عاملان این انفجار توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. اما دیروز (شنبه، ۸ قوس) والی بامیان در یک نشست خبری گفته است که در پیوند به این رویداد ۴ تن دست‌گیر شده‌اند. «متهمین جهت تحقیقات بیشتر به کابل انتقال داده شدند و این چهار تن مظنون از ولایت‌های کابل، سمنگان، پنجشیر و بامیان‌اند.»

واکنش‌ها به این رویداد

ارگ ریاست‌جمهوری این حمله را محکوم کرده است. در اعلامیه‌ی ارگ به نقل از رییس‌جمهور غنی آمده است که طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی اخیرا با افزایش خشونت در کشور، غیرنظامیان را هدف قرار داده و تأسیسات عام‌المنفعه را تخریب می‌کنند.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری این حمله را تلاش ناکام دشمن و گروه‌های تروریستی در جهت گسترش دامنه‌ی جغرافیای خشونت و ترس در کشور خوانده است.

در اعلامیه‌ی دفتر مطبوعاتی معاون دوم ریاست‌جمهوری آمده است: «بامیان و مردم نیک‌سرشت آن در مدنیت، همدیگرپذیری و اخوت و همدلی شهره آفاق است و گروه‌های بدنام تروریستی اگر خواسته باشند با اعمال سیاه و ننگین خود چهره‌ی پاک و روشن بامیان را مکدر سازند، سخت در اشتباه هستند.»

دانش از اداره محلی بامیان و نهادهای امنیتی خواسته است که عاملان این رویداد را شناسایی و به مردم معرفی کنند. او همچنان خواسته است که باید خالیگاه‌های امنیتی بررسی و از تکرار چنین رویدادی جلوگیری شود. او تأکید کرده است که هرگونه کوتاهی در این زمینه عمل نابخشودنی و غیرقابل انتظار است.

حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین کشور نیز وقوع این انفجار را محکوم کرده و آن‌را دسیسه علیه صلح و آرامش مردم افغانستان دانسته است.

کرزی با توجه به پیشرفت‌های اخیر در روند صلح از طرف‌های درگیر در جنگ خواسته است که به‌منظور ختم جنگ و خون‌ریزی در کشور تلاش‌های‌شان را برای کامیابی روند صلح سرعت بخشیده و برای تأمین صلح پایدار کار کنند.

انفجار در ولایت بامیان که امن‌ترین ولایت کشور محسوب می‌شود، در نوع خود بی‌سابقه است. این انفجار در حالی رخ داده است که رییس‌جمهور اشرف غنی چندی قبل در سفرش به ولایت بامیان، جلسه‌ی امنیتی کابینه‌اش را در آن ولایت برگزار کرده بود.

دو زخمی این رویداد در یک بستر؛ قربانیان این رویداد می‌گویند که در شفاخانه حوزوی بامیان امکانات لازم وجود ندارد.
عکس: شبکه‌های اجتماعی